



۴

کارگر کمونیست

ارگان اتحاد مبارزان کمونیست

۴۰ ریال

مرداد ماه ۶۱

گامهای عملی در راه ایجاد

"حزب کمونیست ایران"

کهنگونی با رفیق منصور حکمت عضو کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست به مناسبت انتشار برنامه حزب کمونیست "با انتشار" برنامه "حزب کمونیست" از

جاسب کوهلند و ا. م. ک. - جشن کمونیستی مسابراحتی با بدوره جدیدی نهاده است. پرچم مسایع و اهداف متنقل طبقه کارگر ایران ایست با استواری برافراشته شده است.

اگر قیام بیس به سنججه رسید، اگر ستمسال پس او آنکه سوده های وسیع کارگر و زحمتکش برای آزادی دست به سلاح برده و مجدداً احشاً و ترور سیا را برکتور و افرا گرفت و اگر سوکران رنگارنگ سرمایه و امهریا نسیم نوانستند سال برپسجه بقیه در صفحه ۲۴

پس ام اتحاد مبارزان کمونیست

به کنگره سوم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له در صفحه ۲۴ بخواهید

سرمقاله : رهبری عملی مبارزات کارگران و طبقه عاجل هست.

امروز ما با اوضاع و شرایط زندگی بسیار دشوار کارگران آشکار و پنهان که بسیاری به شوکتا می دانند مانند کارگران و طبقه عاجل حملات جمهوری اسلامی عقب نمشند و در ده سال ننگتهای پی در پی، دستاوردهای را که در طی مبارزات انقلابی سالهای اخیر تحصیل کرده بودند، و همگرا و هر چه را با آنها و ابزارهای مبارزاتی خود را از دست داده اند. فکر و تمیت کسوسی کارگران و ایامالهای اول استقرار جمهوری اسلامی در ایران مقابل کمپین سانسوری با بیم که کارگران به سنها به مطالبات خود دست نیامده اند بلکه علناً خود پیسها را برای باجبار به مطالبات مددکاری و عدالتی جمهوری اسلامی نیز در داده اند. مفلوخلکت، بیکاری، عدم تمایس نعلی، فشار و عقابان پلیسی، فقدان هرگونه آزادی و س جعولی کامل که ایستگور بیباک کارگران بقیه در صفحه ۲

به رفقای کمیته ذوب آهن

در صفحه ۳۹ بخواهید

پیش بسوی تشکیل حزب کمونیست ایران!



است در طول عمر این نسل ما بقیه نداشتند است.

ما این حال جمهوری اسلامی به وضعیت کنونی کارگران هر جا است نه داده است و همینان برای طبقه هر چه بیشتر حقوق کارگران به حجاب و اقله مساوی بر گویند که به خود داده می دهند. جمهوری اسلامی حتی به استیغاشی ترین حقوق مشمول فردی کارگران شکر جزئی می آورد. نماز روزگاری اجباری، حجاب اجباری، تعزیری، بدنی، تشکیلی، عقاب، جریمه و تنبیه و اخراج بها طرح می شود. اتفاقاً در اول ماه رجب شخصی از و خالفت در اقلیه بود می بیند که حتی در بعضی موارد رسماً به تنگ بستن نامه به کارگران اطلاع می شود و بعد همه به شکل استهزا مثل می گویند که کارگران اقله شده است. زبانه زبانه و خود را نگه جمهوری اسلامی امروز به آن طوفانی بزرگ از رده است که هر فردی حتی علیحده ندان کارگری، دفاع از آنرا حق نمی داند و باید با دولت مشی ارضی - مگر ها هر دو به داد و بیداد کارگران در مبارزه پیش از است که در مقابل پیشروی دشمن صدی می گم فرار دهند.

علامه امجد و افام کسوسی مبارزه کارگران ساگر ایرو حیم است. اما علمبر نام این و علامه افام و شرایط مبارزه کارگران حلیم شده است. کارگران این وضعیت را تجربه کرده اند. آنها در لیل فقدان ملامت عمیق مبارزه در واقع چاره ای جز عقب نشینی ندارند. آنها در یک مبارزه سخت نفس می کنند و این به معنای تسلیم و پذیرش شرایط دشمن نیست. کارگران نشان داده اند و جمهوری اسلامی شر خوب پیدا ندکند کارگران و سیماد در فکر و بیشترند تمهید سنگر های خود هستند جمهوری اسلامی خوب پیدا ندکند اگر با تمام قوا هر جا روزه موضعی را دشمنان سرکوب می کند. این مبارزه سرکوب شده و مالمی مردمی بخود میگیرد. جمهوری اسلامی خوب پیدا ندکند که استغور در عقب راندن کارگران پیش رفته است که عملیاتهای آنرا در این وضعیت ممکن نیست و اگر

کارگران فرستاده می شوند و زمان خود را بیایند باقیه نداشتند است. جمهوری اسلامی به وضعیت کنونی کارگران هر جا است نه داده است و همینان برای طبقه هر چه بیشتر حقوق کارگران به حجاب و اقله مساوی بر گویند که به خود داده می دهند. جمهوری اسلامی حتی به استیغاشی ترین حقوق مشمول فردی کارگران شکر جزئی می آورد. نماز روزگاری اجباری، حجاب اجباری، تعزیری، بدنی، تشکیلی، عقاب، جریمه و تنبیه و اخراج بها طرح می شود. اتفاقاً در اول ماه رجب شخصی از و خالفت در اقلیه بود می بیند که حتی در بعضی موارد رسماً به تنگ بستن نامه به کارگران اطلاع می شود و بعد همه به شکل استهزا مثل می گویند که کارگران اقله شده است. زبانه زبانه و خود را نگه جمهوری اسلامی امروز به آن طوفانی بزرگ از رده است که هر فردی حتی علیحده ندان کارگری، دفاع از آنرا حق نمی داند و باید با دولت مشی ارضی - مگر ها هر دو به داد و بیداد کارگران در مبارزه پیش از است که در مقابل پیشروی دشمن صدی می گم فرار دهند.

علامه امجد و افام کسوسی مبارزه کارگران ساگر ایرو حیم است. اما علمبر نام این و علامه افام و شرایط مبارزه کارگران حلیم شده است. کارگران این وضعیت را تجربه کرده اند. آنها در لیل فقدان ملامت عمیق مبارزه در واقع چاره ای جز عقب نشینی ندارند. آنها در یک مبارزه سخت نفس می کنند و این به معنای تسلیم و پذیرش شرایط دشمن نیست. کارگران نشان داده اند و جمهوری اسلامی شر خوب پیدا ندکند کارگران و سیماد در فکر و بیشترند تمهید سنگر های خود هستند جمهوری اسلامی خوب پیدا ندکند اگر با تمام قوا هر جا روزه موضعی را دشمنان سرکوب می کند. این مبارزه سرکوب شده و مالمی مردمی بخود میگیرد. جمهوری اسلامی خوب پیدا ندکند که استغور در عقب راندن کارگران پیش رفته است که عملیاتهای آنرا در این وضعیت ممکن نیست و اگر



کا رگزی را سیرا ظا هرش لغا وب می کند . هسنا
آنها شی که سختی و دناوی میا رزه هدف میا رزه را
اربعش نشنا میا ن دورسی ما زد وارا نشنا هست و
پسگرویشا ن سنی کا هده هده آنها شی که اما نشا ی
انقلابیسا ن نا بیج شرایط معا رزه نشا ت و عدم نشا ت
وضعیت دولت های پوزوا شی سیمه رلقبنا نایج برای
پیروزی پوزوا نایج میا ن تپه . . . گوسیت سنا ر
پیشروان انقلابی طبه کا رگزی ودرسیا ن آسنا
بروزکا رگزان انقلابی و میا رزی که مستقیما بسا
چیش بوده ای کا رگزان دولعا سندر و میا رزی سسند
بلاوا طه صر سیرو کت آن نا شایر بگا رت . . . ویا سنا هده
از دعا کرا مگا نا نشا ت ویا آسنا دهه رروا سطر
معا حل و تشکل ها میا ن میا بندگوشندا میا دعا سست
لغال جود در رهبری میا روات صلیب کا رگزان .
وضعیت گوسنی چیش کا رگزی . . . هسنی و غیره
طاعت سینی وایه مدا و مینی مؤثورا زما میا هسنا هده
تول گندورا سکا رایجا مشرا یط لازم برای ار مدعا
میا رزه میا رزه ای موا سزی و غیره را در حوضه
لغالیت طه و وضعیت بگوشند .

دروا ع میا بدگشت سنا ویا انقلاب ایران در سطح
گوسنی در گوسنا سست از طب سینی چیش از پیشتر
چیش بوده ای کا رگزی است . چیش که بچس سندر
آمان از وضعیت طب سینی ویا فنی لوست سنا ی
میا رما ری قوا ی خود سیرت در سنا شب شمسوری
تبدیل شدن بیک چیش سراسری و سنا ی سسوار
میگردد و این وظیفه ای است که نا رایج اجا مآ سنا
بویزه بر عهد کا رگزان گوسیت و پیشرو شی گشتند
است که این سروز را در که می کنند در سنا ی مناسب
برای اجا م این وظیفه فرار دارند .

قبل از اینکه به ذکر مشخص تروا ظا ت کا رگزان
انقلابی و پیشرو در قبال شمیر ووا لیت گوسنی چیش

است ویا لایر به این علت که چیش گوسیت سسنی سسوز
چیش کا . . . چیش کا رگزی سسند سکا رایج میا ن سسوز
ا حوس میا ماع اریجا در حرب این سنا در رهبری کنند و
میا روات کا رگزان شده است . چیش کا رگزی ایران
این ها بلیت واداد که سوزیا از موقیت گوسنی
عاری شده و به چیش گسره و تفری علیه وضعیت
اما رتبا و موجوده کسیت چسری اسلامی شدیست
شود . انقلاب ادا مدعا در وظیفه کا رگزی ایران بهیچر حد
شاس پیروزی در انقلاب ما سرا ارفست شده است .
ایا و فنی از لغالیت میا لطف چیش سسوز ای
کا رگزی وضعیت می کشم سی شک منظور ما ن این نیست
که چیش کا رگزی طه دیگود (میا رظ استهصال)
سرسی خواهد شد و اوج خواهد گرفت . میا رما ن حتی
این سسند که اوج کم فتن و غیره میا ن چیش سسوز
شود ای کا رگزی . . . سسوز سسوز ویا سسوز
خوا هدیود . بلکه سسوز ما ن است که سسوز سسوز
ا کا ا این طه . . . میا به سسوز شونده این لغالیت
میا لطف در ما لطف ما زده . میا ورا سسند که سسوز ایط
معمومی میا جهت حرکت آن سسوزها شی که میخا هسند
چیش شود ای کا رگزی و برای میا سسوز سسوز
انقلاب سسوز و اوید . میا لیت است . . . در لغالیت سسوز سسوز
جهه چسنا این سسوز و در واقع در لغالیت سسوز
چسنا می ما ی که در جهت میا لطف گوسن این لغالیت
سنا رزه گسند . چیش کا رگزی سسوز سسوز
خارج سسوزده بلنگه سسوز طب سینی سسوز سسوزها ی
کا رگزان به تسلیم . و انقلابی را به شکست خواهد گشتند .

سنا سراسری هس پوزوا شی که برای پیروزی
طبه کا رگزی ما رزه می کنند هس سسوزها شی که سسوز
پیشتر سسوز و کا رگزان را وظیفه خود میدا سسوز .
آنها شی که از ادا مآ انقلاب سسوز شده اند و چیش

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است .



کارگری بهر دایره هم برای تعمیق هر چه بیشتر بود
این وظائف از سوی رفقا شنیده آنها را مستطابا بعد
می گیرند، لازمست بعد از توضیح هم که چرا اصولا
جنبش کارگری در وضعیت و اوضاع ما با و کنونی ضرورت
گرفته است. بحسب توضیح هم که چرا جنبش خودمختاری
و سوسیوهای کارگری در دست مداخلاتی و مسائل
فصل حسی اردفا بگردن او استادی تریس و جنبش
برین حقوق کارگران عا حراست و در مقابل معده
این حقوق مسئله را گرفتار و عقب نشینی است.

حرا کارگران تعینتوا شده حتی از ابتدائی

حقوقی هم بود دفاع کنید؟

مطلب کارگری که میراث ما در دست

نوه ما بوده کارگران است به جمهوری اسلامی

حدود در راه احقاقی حقوق کارگران بر سر مطالبات

ویژه کارگری اوج بگیرد، در سال بیوزش و ششاد سه

رژیم پس ارضی خود را وسیعاً عقب نشینی کرده و در این

عقب نشینی گسخته، کارگران سازمانهای علمی و

رغبران علمی سازمان خود را از دست داده اند، در

واقع اکنون ما در وضعیت ضعف های کارگران هم

بما بر رویه بد نشینی سازمان رهبری است. به همین تقدان

سازمان خودهای علمی و دانش رهبران علمی کار

آمد، همی اطمینان ما را و متوجه خود بخودی را در برابر

کمونی ار کارگران علم می کشد. با رد دیگر تجربه

اشناست کرده اند که کارگران بدون تشکیل تشکلیات

رهبری در هیچ مبارزه ای موفق نخواهند شد. جنبی

مبارزه رهبران حقوقی ابتدائی و سطحی که همه آنها

سرخا جنبش افرا دارند.

اما این عکس که اکنون ما در عقب علمی

کارگران در سازمان نشان فقدان تشکل و رهبران

مباری از کارگران سازمان ما را را که این مقاله برای

توضیح وظائف ما حل آنان نوشته میشود. ما هیچ

سعی نمی کنیم آنها بپیرسند! مگره است که فسل از

عقب نشینی های اخیر کارگران تشکل ها و رهبران

خود را داشته و مگره است که ظلمت ما این وادار

به عقب نشینی شده است این عقب نشینی ها علمی
دیگر دارند.

آری قبل از بهوش رژیم کارگران تشکل علمی

علمی و رهبران علمی و مبارزه خود را داشته، به همین

حاضر واقعیت جنبش با امروز متفاوت بود. در سازمان

کارگران در مقابل فعالیتات رژیم متلاطم، مطالبات کمتری

بود، و اما مثلا کمترین سیاحت است به مبارزه و مقابلت

برنده است. امروز هم کارگران در مقابل ارتعاشی -

ترین بحثها ما در کارگاهها به پارهای از مقابلت

لمدی، آنها را با ما باقی واقعیت بر سر خود آوردن

ندارند. امروز فقط ضعف علمی تشکل خودهای و

علمی و تقاضای رهبری علمی است. در هر دو مقابلت فقط

رهبری و عقب تشکلیات بود، کارگران با این ضعفها

در مقابل یک تحریر گسخته و در عا سه و در پیست

موضوعات ما مثلا جنبشهای از سازمانها و سازمانهای

مبارز و جنبشهای محروم بودند.

ما در باره لحاظ ضعف و عدم کارهای خودهای

هیات ابتدائی ما چنانچه در کارگر کمونیست شماره

یکه به تفصیل شرح داده ایم و نشان داده ایم که

این نوراها یک تشکل خودهای موجود با سسکه

در بهترین حالت میشو استند اما به جملی یک خودهای

متکی بوده انگیزونها و حرکات منظمی را نداشته است

آمد. رهبران علمی جنبش کارگری نیز هم ما

تحت نفوذ ایندولوپزیهای رهبری و علمی ما

دنیای خود جنبش خود بخودی ما سازمانها را

از نوع مبارزه ای و جبهه ای بپویکتیم. بوده.

این رهبران اکثر از درگ فرور و استقلال یافته

در اهداف، شعارها، شیوه ها و تاکتیکیها

عاجز بودند و این ضعف آنها در سازمانها

صورت یک ضعف منهلک برای جنبش کارگری خود را

نشان داد که هر راه حرکت جنبش ما به هیچ

دیگری پیش آمد. نتوانستیم هیچی که

ما حل استقلال کمترین رژیم و مبارزهای ما باشد

و



حتی از ابتدائی ترین و مسلم ترین حقوق خود نیز
 لعالانه دفاع کنند. گفتیم فقدان شکل و رهبری
 در شرایط کمونی مادر همه صف ها و ناخوانی
 های کارگران در مبارزه است. اما باید دانست
 مشکلات دیگری هم وجود دارد که اگر چه ارها
 فقدان شکل و رهبری را شده تدهاند اما
 امروز موجودیت خود را دارند و یک کارگر بسیار
 که بعد ششیر موقعیت کنونی صحت کارگری را
 دارد نمیتواند وجود آنها را نادیده بگیرد.
 با رزترین آنها وجود و عمومیت روحیه انفعال
 و اسطاردرمان شده های کارگران و حتی بخشی
 از پیشروان است.

تجربه شکست های پیاپی کارگران
 در مبارزه، حتی آنجا که این مبارزات از فعال
 ترین حمایت شده ای برخوردار بوده اند عملا
 باعث شده است که به روحیه مبارزاتی کارگران
 لطمه وارد شود و کارگران سخت تر از گذشته
 به شرکت در یک مبارزه کتبی شوند. بسیاری دیگر
 امروز امید به روزی که مبارزه بسیار پستی از
 گذشته باید واقعی بنظر برسد تا خود کارگران
 لعالانه به آن پیوندند و پیگیر آن باشند. این
 سینوا گفت کارگران تا حدودی از بی شکست
 جدید شکستی که با توجه به دهه های پیش بسیار
 گران تمام میشود. محال فک کرده اند. از سوی
 دیگر کارگران عموما سیاسی اند. بکس سالهای
 قبل ارقام کارگران بخوبی میدانستند
 با کارفرماهای مغرور، بلکه در مبارزه خود در
 درجه اول باید دولت طرف هستند و این واقعیت

روز و شب با هم می آید و خرد و روزگاری به سطح مبارزه
 نظامی وسیع بود. معا همدن خلق به بشوید های
 آنارشیستی و جدا از سوده روی آوردند و رژیم ترور
 سپاه و جنیکسری های با سبها می آید که
 پیش از دوران نادرک دیده بود. در سطح گسترده
 آغاز کرد. کارگران نادر این و بعد از آن طرف
 دعوا حمایتی نکردند و رهبران اصلی کارگران نیز
 هیچ نقش ویژه و مستقلی نتوانستند ایفا کنند و
 با گزیر مستقل نامیدند... اما بهر حال به سوره
 حزب اللهی ها این اخلاقیات شعبان بیخ، این
 طلاب مکتب "سپاه" و "فرسودگی روزگاری" ها آغاز
 شده بود... تا که گردوها، بیلیتاریستین مغله
 و خیابان و کارخانه و رصمیت یافتن و ملج
 شدن او با شو و چا کوکشان، نقشش پدنی و با زوات
 های بی دلیل که همه ریه تمام مبارزه با تروریسم
 صورت میگرفت در همین حال خود به بیغما رفتن
 دستاورد های انقلاب و مسلم حقوق دیگران نیک مردم
 و کارگران بر سر بود.

بنابر این افعال و عقب مشینی گسترده
 کارگران در بدو عملات رژیم پس از سی خود اده لائسل
 ماس خود را داشته است و محورا بین لائسل صف رهبران
 و شکلهای تنده ای بوده است، لذا این رقابیع
 گوچترین غده ای به صحت این حکم که کارگران
 بدون تشکیلات و بدون رهبری محکوم به شکست دارند
 نمیشود. با این صاب باید به آن جنبه از
 کارگران فعال و مبارزی که در مبارزه گسار
 کشیده اند تا با مطالعه و تحقیق و نتایج کشف کنند
 که علت شکست های پیاپی کارگران چیست باشد
 گفت رفتا! علت همانا کارکنین شماست، کنار
 کشیدن شما و صحت ها و معا فلان از با شکوشتی به
 نیارهای میرم و مسلم کارگران در مبارزه.

به موضوع بازگردیم. سخن بر سر توضیح
 آن مطلب بود که باعث میشود کارگران نتوانند

طبقه کارگر تنها به نیروی
 خود آزاد میشود.

جست

تدبيره و ليد سا سنگلات عظمي زور بويست و آراميست
 شيرهاي مختلف اورنجيون به ديگري نفعه ميشود
 و متعلق گون غير عفت . ساعت شمس است . هر
 ترايطي که کارگران فعال خود را از دست آورده
 عموق حشم خود را توان مي بخشد . روحيه انتظار
 انگيزانه و هوس و افواغ از بالا عموق است .
 کارگران ميسر خانه که هنوز با ايجور سويها
 بورژوازي مگرمه نرفه دارند . در انتظار عموق
 ترايط و و تاج احوال زندگي و کارگري سوار
 ساروي گزده اند اما صاره در مانده است . در
 انتظار و هوس ترايط ساروي (در محل حشم
 يتکلي و ...) است . اين حال که ديگر نخواهد پايه
 بر فرد سوار گند . عقليت حال جز ان ميسر
 برو بوي . در عموق از شانوازي و عموق
 سنگلات . کارگران را و سيم حال انتظار و ...
 آورده اند . ! ميه شيان به سريگوني بويست .
 الفوج جمهوري ايلاني که در ترايط ارجگمري
 در باره نامت شخمس و نفعي ساروي غرور
 گرديده . در ترايط گموني . محس در شوايط
 عفت شيبي و در پيش گرفتن حشم سحر شفاعت
 سألده ديگر است که اين مفسر شيبي ها
 سواران کارگران را در عينه مطالبات و
 شمارها نموده و پيرا گندگي کرده است و سواران
 کارگران در فاسديگي مختلف در سو سائل
 سلسله حريا ياره . الزه بروز ساله حشم
 کارگران سوزيده بود و اين شمار خود سواران
 ارجگمري ساروازي پيرا گنده کارگران را به سري
 ساروي شدن سوز ميداد امروز در هر فاسويک
 کارگران با مسائل تلاطم و نفعي روسرو
 حشم که ظهور سواران سألده ديگر فاسويک ها
 ميست . بينروي عموق کارگران که يتکلي
 سيار ساروازي شدن مبارزانشان دارد درگرو
 ايدت که شمارهاي حشم سواران عموق خنوايه

به شمارهاي عموق سري ارجها بايد و سواروي
 براي نفعي اين شمارها سواران در همان سنگل
 نفعي خود با عموق سواران ساروازي . ارجگمري
 در مبارزه عموق حشم ساروازي گندا است .
 کارگران اگان و ساروازي نفعه هاي تلاطم
 ساروي عموق سري را با شما دوست عموق سري
 حشم و ارجعات سنگل ساروازي سواران .
 حلوته با ساروي براي نفعي ساروازي حشم
 کارگري . ساروازي ساروازي ساروازي .
 درود ساروازي ساروازي ساروازي .
 ساروازي ساروازي ساروازي .
 عموق ساروازي ساروازي ساروازي .
 کار عموق از کارگرو خارج گره

کارگران ساروازي و انقلابي

چگونه سياست چکند ؟

عالم با فاسر در اول اين سويحات ساروازي
 کارگران ساروازي و انقلابي چه بايد گند . آنها
 سياست :
 ساروازي ساروازي ساروازي .
 گمري گند و حالت فعال در ساروازي ساروازي
 ساروازي و ساروازي ساروازي .
 خود قرار دهد .

- چگونه از ساروازي يا فاسر کارگران . که عموق
 ساروازي از ساروازي ساروازي ساروازي
 دارد . ساروازي ساروازي و اگان ساروازي
 ساروازي ساروازي ساروازي .
 ساروازي ساروازي ساروازي .

سياست ساروازي

- ساروازي ساروازي و ساروازي ساروازي ساروازي
 گند و ساروازي ساروازي ساروازي ساروازي
 حالت فعال ساروازي ساروازي ساروازي
 ساروازي و ساروازي ساروازي ساروازي ساروازي
 و ساروازي ساروازي ساروازي ساروازي ساروازي



به نتیجه رسید. رهبری عملی لازم است. رهبری عملی لازم است تا همراه با پیشروان مبارزه، این اسطای پسندجا سید خود میا ب ساروره را با تلاش و طریقه‌ها ن شرکت کنندگان حفظ کند. رهبری عملی ایس نسبت که فی الحقیقت اعلامیه‌ای بخت کسیم در آن از کارگران بخواهیم که برای حل ساله‌نار اعتبار کمندوار با مستقیمه درگرم‌گرم مبارزه واقعی چنین فراخوئی با سندان به یک‌سؤال از طریق طرح ما خن ده‌ها سؤال بی جواب دیگر است. این درسا بت یک‌فراخوان یک پیوندها ن صحیح می‌تواند باشد. اما از طریق یک پیوندها ن عملی شدن موفقیت آسور آن راه‌داری است. آنچه یک مبارزه واقعی و توده‌ای مبارزه در رهبری عملی آن عمر زمان و آگاهی گه‌با داشتن یک استواری زمین، کارگران را در هر قدم از حرکتشان بر رهبری زمان که بر سر دوراهی قرار می‌گیرند، از حرکت در تصمیم‌گیری و از اشتباه در تصمیم‌گیری، حساب می‌کنند و آن را از مصیبت هدف از کونا نترسند راه به پیش می‌گیرند. در یک مجمع سباده که متلاطم‌الطرا عنوان به اخراج چندین از کارگران واقع می‌شود، رهبری عملی لازم است تا آنجا که نامداران کارخانه را حاضر می‌کنند، آنجا که عده‌ای می‌خواهند مدیر عامل را برضت و لگند بگیرند، آنجا که عده‌ای می‌خواهند غنونا ن اعمال کنند و عده‌ای حواس را سالت است، آنجا که صدوی از کارگران را برای مذاکره دعوت می‌کنند و عده‌ها ساله‌دوراهی دیگر که در طی هر ساروره کوما و جرش هم پیش می‌آید، تکلیف کارگران را اکتفا به آگاهی و شناخت و علم مبارزه تعیین کند آسهم به نیوای که کارگران با میل و رتبه‌ت سپیدرسد و بر سر هر دوراهی عملی که محال است تصمیم اکثریت است راه‌دور اجرا کند...

هر ساروره کارگری، راه‌دوره کوچک و بوسنی

بگوشدننا مبارزات کارگران از تکسبل "عمیاسی" کسوسی خارج شده و بیک مقاومت مستمر و سوده‌ای تبدیل کرده.

بگوشدننا مبارزات کارگران هم از نظر تفکلاتش، هم از نظر اهداف و شعارها و هم از نظر ایما و ارتقا یا بدوی به ساروره‌ای سراسری و شعری تبدیل شده (ساروره) چگونگی این ارتقا در همین مقاله‌س می‌گوئیم)

آن حلقه‌ا اصلی که پیشروان برای انجام این وظایف باید در دست بگیرند کدام است؟

حلقه اصلی: رهبری عملی مبارزات توده‌ای و بالفعل کارگران است. مبارزات بالفعل کارگران عمدتاً بر سه عاچ و اینه‌اشی - تریس و مسلم تریس حقوق کارگران صورت می‌گیرد. مطلقاً عتراض به لئونسطیلی پیوندها، بافترا می‌اخراج یا سار وروره اجباری و اعتالهم اکثریت عربیت به اشفاق کارگران، محسور عاسوسا و خودفرهنگان و عمال سرما به خواهان پیوری در این مبارزات هستند و از آنها قلیاً حمایت می‌کند. اما حمایت و پشتیبانی قلبی س شرکت‌فعال و بیک‌فروری دارد. آنچه شرط اصلی پیوری کارگران در هر مبارزه‌ای است، شرکت فعال و بیک‌شده‌هاست. برای اینکه سوده کارگران در یک مبارزه عملی شرکت فعال و بیک‌دانه باشد باید پیش از اهداف مبارزه از سوی آنها قاضی سبت. علاوه بر آن باید شعارهای مقطعی آن در مراحل مختلف شیوه‌ها و روش‌های مبارزه، شرکت پیوری، سدروری و کندروی، حدسهاشی پیوری، ملائمت و جنونت مبارزه و عوامل دیگری از این سبت هم مورد سول و حمایت توده کارگران باشد. برای اینکه یک ساروره متعین باشد به آخر س حمایت و حفاظت فعال توده‌ها ممکن باشد و سواد



سوی یک معارضه تعرض و کمبوده که حاصلت با بید
به سرگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری
انقلابی متمرکز در مرکز و است که کارگزاران
آزاد میمنت با ما تفکوتی در معارضه رها می باشد
و در همین معارضات با لغاتمان به موافقت هاش
دست می بندد که این بنویسه خود در این معارضات
کارگران اگانه در رهبری این معارضات حاصل
نخواهد شد.

در حالتیکه کارگران در معارضه معارضه
انتهای تریب نظری علم خود را در احاطه
سی بر نفوس رعایا مبرکوب میشود و خود را
نشان توان در از پیش می باشد. و خود را اعلام
تحقیقی و روشنی نمیشود. آنها را از چشم
آمده اند که به شش و نعلات از این راه و در همه
آنها بنویسه که آنها تا مردم جمهوری اسلامی را
نشان می آید که به لغت مشکل خود سرگون گشته و
از رهبری میگوید گفت غلطی می باشد. وقتی کارگران
نشان دهند که با یک حرکت ده هزار نفره نمیشوند
کوچکترین نشان آورده داشته باشند. ما خود را
اعلامیه شوخی هم رو به معارضات نشان ارتقا
پیدا می کنند. اثرات سیاست را با رهبری
نشان می دهند که در همه فراها آنها ای احسان
تشکلات خود ای و سراسری میزند یعنی سنگلاخند.
وقتی آنها شعرت را بنظر قبلی کارگر خود را که بی
همچند دلیل اعراج شده است ما همه سخن شان
بر کار را زگرده بند. هر اندازه آنها را بنده نشین
نشان می نشویب کشید. توضیح خواهد داد که در معارضه
کارگزاران که در این سیاست و نه از مسائل کارگسری
سراسری حرفی نزند... همین شک ما با بدارضه.
ما بس می نشان می و نشان را که ما نفع معارضه بی
گسرترو هم عملی شوکارگران میشود معارضه کشیم
چونکه همس معارضه بنویسه خود ما نفع از است که
در جهت تقویت خود مشکل کردن خود میگویند. ما

باشد معارضه واحدی از ارتش پرولتاریا است.
آموز و عموم "سراوان" میدانند که سمت حرکت و
به روی آنها که مطرف است. آنها خوب میدانند
که ما با معارضه لغوی بنویسه ها و اعراج است
معنی همکاران خود میگویند... ما در این معارضه
"سراوان" گنجانده رهبری می گنجانده کارگران را
در ضمن عملیات ما میگویند و آنچه ورا است و
پس و پیش کنند و آنان را بر طبق نوشته ای دقیق و
صاف بنده. بنویسه سنگره جلوس بر نشکما بند...
آنها ما بنده او این دلیل اصلی نکست معارضه
کارگران هر معارضات کنونی نشان است و کارگران
پیشرو و کارگزاران این لغت را بنویسه بگیرند.
فعلت رهبری فعلی معنی اختیار و حضور
فعلی و فعلی آن در کلیه عوامل معارضه
میکنند که عوامل این رهبری در طبق معارضه
نموده ای می و ما سر و موجوده شده ما بنده و معارضه
را از طریق شبکه ارتباطی که در میان کارگزاران
با زمان داده و ما کرده اند. نشان ها و طبقا مکتوب
کارگران بر ما است. رهبری فعلی معارضات توانای
کاری است که به بطور انفرادی و نه در همه معارضات
انتخاب بگیرند. کارگران پیشرو و کارگزاران با این
رهبری فعلی را سازماندهی کرده و اعمال می نمایند.
و کن اصلی وظایف کارگران معارضه معارضات فعال
در معارضه و فعال رهبری در معارضه است و ای
است. فرا موش کشیم که را پیش دادن به معارضه
کارگران و مشکل کردن آنها بنویسه رهبری
معارضاتی است و بدون رهبری فعلی متعلق
نخواهد شد.

چرا رهبری فعلی معارضات با رهبری
کارگران حلقه اصلی وظایف کارگران
پیشرو و معارضات است؟
رفع موانع ذهنی و رهبری معارضه کارگران



اثرات بیابان‌ها می‌باشد.

حال اگر ما این فعالیت‌ها را هم کسی از روی
و حالت فعال کارگران سرور را در هر عملی
و عملی اسرار را با لامل کارگران حکمی دهن
باشد و دیگر خود بیابان‌ها را با لامل
باشد.

با اینکه بولایت‌ها در میان اسرار و
با لامل کارگران را هر روز می‌باشد که با لامل
بعثت در باره حاکم و اهمیت مبارزات با لامل
والدم می‌باشد.

با اینکه هر سال از پیوسته ای را با لامل
وجود حکومت با لامل می‌باشد که در پیوسته
با لامل ظنی فاعله جدیدی ندارد در واقع
خوبه اسطر را با لامل می‌باشد.

و با اینکه حال در هر روزی عملی
مبارزات کارگران را با لامل می‌باشد که
مهمی از این فعالیت به استعمال با لامل و
دستگیری و حواج زمین می‌باشد و این نظر
عقل او را می‌تواند.

آنها اصولاً در این شرایط حقیقتاً و شرکوب
پیدا حجت به رهبری عملی که جز با لامل
کار عملی تشکیل می‌دهد، توصیه ای ذهنی
و عملی غیر ممکن نیست؟

چنین فعالیت‌ها را در کار با لامل
رهبری عملی با لامل می‌گیرد. این فعالیت‌ها
از رهبری کارگران فعال چیزی است که رهبران عملی
چنین کارگران تاکنون بدست داده است.

شرکتی که پیوسته رهبری عملی مبارزات با لامل
و با لامل با لامل می‌گیرد و با لامل
ما می‌تواند اسرار و قطعاً با لامل می‌تواند
و قطعاً عملی خود را با لامل می‌تواند

سرور و عملی که با لامل می‌گیرد که پیوسته
دو با لامل می‌تواند. با لامل می‌تواند که در
که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
اگر با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل

اگر با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
پیوسته عملی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
بعثت با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
سی درسی و عملی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
روست که رهبری عملی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل

اعلی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
رفع می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
چنین که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
مبارزات عملی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
عملی است و اگر با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل

این مبارزات در شرایط کمونی که با لامل می‌تواند که با لامل
موضوعی با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
یک رهبری که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
اگر با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل

در صورتی که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
حساب جمع عمومی و با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
تمامی که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
این رهبری مبارزات عملی می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل
مبارزات می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل می‌تواند که با لامل

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی!



کار و معنی و مسلمی را در - کما - می آورده اند .
 نه این امید که کارگران به آنها سستی جویند .
 رهبرانی را بدهد و بگوید که رفتی تو به کارگران و با همگس و
 اما در میان ما نه خود را و لکن دست از پرستش سوز
 بیا بدهد . وزارت کار را بماند او همه به سنگسار
 کومند است و کارگران هم در میان او دست نخور
 رده است و ما سوسی را هم بر نماند و لکن گفته اند .
 و از افرادی آبرو و رفتن در میان ما نیروی بیشتر و
 با رهنس از او رده اند و کار با به مثل فرستاد
 نه است و همگان بحث خود را با صابریست و راجع
 کرده اند که در واقع روزی مثل نقی باشد نه ا
 به این ترسید . بی آنکه کارگران را یک قدم
 جلو ببرد ما شدیم بدست معتقد کننده اند .
 بوار دیشما را بر خوردن کارگان بوده ای
 کارگران بخوبی ، کمک کاری تا کار با فرمان
 بر دوران دولتی ، اقدام به گروه های گسری و غیره
 که تقریباً همگی با لایحه به دستگیری و تبع
 بیشتران غیر حریف است ، این گرایش هموسی را
 در میان بیشتران و رهبران فعلی حریف کارگری
 نشان میدهد . اما این نشود ، بر ظهور هر یکی به امر
 و هیرو مبارزات کارگران تنها آنها که اساس
 مبارزات با اعمال با حواصا به همه ای محدود
 عشرت گشیده شده است خود را با میان نمی سازد
 دنبال روزی از سنی هر یکی به سازد ، حد از
 نود ، تنها برای سرا دادا حتی بوده ، در میان
 رهبرانی که خود را موظف به دنبال روزی را شده ، این
 نمی دانند ، این همه مومنت داده و هر چه در
 از نظر ما تلاش برای روشن کردن این ضم کارگران
 و حرکت در آوردن آنان و اجتناب از رهبری عدم
 مقدم حرکات مبارزاتی آنها در عمل دعوی آگاهانه
 و مشکل ، حتی اگر ما نیکه بر ترک مخلصه و اطلاع
 و نه نامه هم صورت بگیرد ما هم روشی هر یکی را
 و ناگزیر به حکوم نهنگست ، همنگست کارگران و همه
 شکست رهبران .

تا گفته بدهد که ما آن سخن از رهبران با و کار
 و آن همه که بفرود خوان تحت پوشش بی تردستی ،
 در عمل خوب الله بیست پیش موقوف کارگران مبارز
 سنگسارند و دستها را کارگران که معنی دار است
 در نگاه خود ، روبرو با دورا اطلاع ما طبق دیگر
 برست و سوی مبارزات کارگران تا شوی گفته اند
 و این معنی رهبران فعلی مبارزات کارگران در
 نظر ما بریم . دست اول مبارز و دست دوم رهبر
 عملی نیستند . نظریات و روش بیشتر کار و رهبران
 عملی و مبارز کارگران ما کنون شدت جدید
 تا شیبند ، تا شیبی کرده سوز و شای و ما جسد
 زبانی مئی هر یکی بوده است . این رهبران
 تک رومند اند . سنی داشته اند ، از طریق الجس
 ما حتی خود ، صورت فردی مبارز ، با شایه مستور
 اشیا با بدست رفته ها را به بطلند و در ساله روزی از خود
 نگذاشتند ، آنها به آفا دگی و بنا سبیل نود کارگران
 به عنوان نیروی محرک مبارزاتی شوی بدهد ، است .
 آنها وظیفه خود را در این خلاصه ای بدهد است که
 کارگران را تحریک کند و حرکت در آورد و ما به
 همه هر یکا فرستان بوسی بوده است که وقت سنی
 نود ما به حرکت در آمده است ، خوانند همه
 مشکلات و منابع را از سر و برخواهد داشت ،
 آنها به حفظ و بنا و ممت و زده تر جمعی نه شده اند .
 حرکت ختم الله خود ما برای آنها استجای
 کار است . هدایت لایحه به لحاظ حرکات نود ها ،
 ما را به سنی آنها گوشت برای اتفاقا کنگ های
 چاب ندهد و سوی نود ها همه و همه بوری است که
 برای رهبران دنبال روزی هر یکی به نگاه است .
 ما گمانی را بدهد ، این که در حاسی خوین و خطرناکترین
 شرایط با صارت تمام روبروی با سیدان
 بر ما به استاده اند ، نفرت کار و گسوران را از
 دشمنان ما با راحت اعلام کرده است و با رهائی
 را - که پذیرششان از ما است نود ها تنها رده و تنها



سویا نام - پیروی کارگران سیا با محقق شدن
 با شدن شعارهایی که هر یک از سرسند سجده میبود
 وقتی کارگران با طرح یک شعار ضمنی با همه مدار
 میگذارند، طرح این شعار ضمنی هم سراسری و هم
 تا کنیک آنها نمی تواند باشد، برای محقق شدن
 یک شعار سلسله ای را گسسته های هم پیوسته
 هدمه، مجموعه ای از جمع ها، سطوح، حلقه ها،
 و دیگرها، ضمنی ها، میدهیدها، اعمالیها و ماورها
 می باشد لازم است که با بدنه حدیثی معینت می شود
 هر کجا در حای خود به نتیجه برسد، البرا با شمار و
 هدف بلا فصل هر کجا ما را این آگوستیهای سیا را می
 همان شعار اصلی، همان هواست اولیه کارگران
 نیست، ممکن است بخاطر بارگزاران عبده ای از
 همکاران اخراجی ما این چنین کنیم، البرا ما اعظم
 معوا هم گرد که ما با گذشت آنها سرکار و دستار
 ضمنی بر سر می داریم، بسته برابط ما به صبح سر
 این باشد که اعلام ما کنیم، تا وقتی بدنه تا عمل
 جمع ما محور پیدا کند و در باره ما تراج همکاران ما
 توضیح میدهد نظری نمی شویم، هر سینه که
 شعار یک حلقه را میاروان ما (که آگاهانه از پیش
 طرح شده است) ناچاره اند از سیا با شعار کنی
 عبارتهایی داشته باشد، همین ضمنی در مورد اول
 می تواند به یک نکته کلی دستگیری و سرکار و
 رهبران و در مورد دوم با آگاه به یک اسماعیل
 شده و این کارها در حای مسنده ما در میان جمعی
 با یک پیروی مرحله ای می شود که میسوسه شود
 کارگران پیروی را به میاروه خواهد کشید، سوان
 و قدرت و روحیه ما را برای خلوس و رفس فراهم میکند
 و ادا همکاری رهبران و فعالین را ضمنی می بخشد

ما خوب، ندا هم که سر یک کردن کارگران و
 آنگاه آنها را بحال خود را کردن و از آن پس سلسله
 حرکتی آنها بدن معصومت ملی وجه معنسی را
 سیاسی نمی برد، ما سراسری رهفانی را که از این
 موضع رهبری ملی را با دربار رومی می کنند
 درک می کنیم و معذوریم آنها را معنوسی درک
 کنیم که ما را سیا و سرکارگران پیروی رهبران
 بودن، در اول سید در نیدن و قیمت ضمنی را طلب
 نمی کنیم، ما معوا هم که آنها رهبری کارگران را
 از طرفی می تعیین و ادا می آنها کند، ما
 معوا هم می بوده ها را به معنیان بکنانیم، ما
 بر احساسات آنها کنیک نمی کنیم، ما معوا هم
 می شویم با آنگاه آگاهی و تکلیف خودمان آگاه
 و تکلیف بوده ها، آنها را حکم و تا به حد ما کامیابی
 اسرار پیروی هدف میسوسه، ما کار را اشتراکی را
 می سینه ندا مییم و معوا هم که رهبری معنوسی
 میاروان کارگران ما به منظور مشکل و ما آنگاه به
 همکاری و وحدت عمل و تعیین کار آگاهها
 رفته میاروان ما میامکنی پیروان انجام میبرد
 بدون ارتباط معنی معنی از پیروان، بدون
 سازمان، حفظ ادا همکاری در رهبری، مخصوص
 در حای کوسی غیر ممکن است، رهبری معنوسی
 میاروان کارگران با به توسط معنی از پیروان
 که با یک دیگر ارتباط را گنگ دارند انجام میبرد.
 توسط یک کنیه معنی که رهبران فعال را در خود
 حای میدهد.

ما سر یک کردن و ادا می ردن ندا میسیم
 کارگران را رهبری می میسیم، ما کسیر داری
 کارگران برای اعلام کردن یک مطالبه رهبری

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران!



هر سنگ را بد زمانی فتح شود که فاعل تکبیداری و
 محافظت نماید و گویا تبدیل به نقطه صاف خواهد شد
 نثار خواهد گردید تا کارگران را از هر دست سنجیده
 از خطا بیخبری نشنیده و اولیاد را به دست
 فراهم آوردن پیش شرط ها و مقدمات آن را بر طبق
 آنگاه با غش آنان باز آید این بخصوص در شرایط
 دشمن استند دارد حفظ اسواری و استحکام
 کارگران در معارزه مهمترین عامل محفوظ ماندن
 رهبران از تیر و دشمنان است و این خود را در صورتی
 صحیح راهی می سازد و عامل محفوظ

نگی دیگر از نقش های کار و رهبران تا کمپوزی
 که در واقع این های کارگران در سازمان و در
 دستگیری و احوال بدین توان به زبان و وجهی دیگر
 از همین نکات ها پیش می بردند استقامت این بود
 است که در ایران عموماً میخواستند خود **بیتنگل**
 و رهبری کنند. خود کارگران عموماً و عمدتاً
 میزبان فکر به حساب آمده اند. رهبران در مصحح
 گردن شده ها و **بیتنگل** خود بوده ها استفاده نگردانند
 و عموماً در همین فرجه است به عنوان عاملین و محرکین
 از سوی دشمن شناخته شده اند.

تا آنکه گردیدیم که این رهبران در زمان و معیاره
 کارگران به تبع استوار رهبری آن یک شمول
 امنی تولید کارگران است و اکنون اما مسئله
 میگویم که بنظر ما تدویر و استوار هدایت و رهبری
 خود **بیتنگل** عملاً بپذیردکن است. باید تفکر
 دهنیم که نقطه مقابل بی شکل بودن الزاماً متشکل
 بودن در زمانی است که در روحی عقوبت نگیر
 رهبری نیست. شکل در وهله اول یک ارتعاش
 است. آن طرفی است که افراد هم جهت و هم هدف
 را در خود می بیند و این امکان را فراهم می آورد
 که آن افراد با نقش کمتر. انتقال نظر هم می شود.
 ضامن می و نیروی بیشتر بسوی هدف پیش رود.
 با این حساب باید گفت تا در نوبت شکل خود می

این و هدف رهبران عملی معیاره است که با
 خود می سازد. اما با دلی و بهما عمل کارگران
 و ضمانت سروهای دشمن بسوی هم جهت و سایر عوامل
 ضمیمه گشته. سوای بهر حال می باشد که
 کارگران در معارزه و نقطه عمل های خاص خود را
 از پیش و در میان خود و یک جهت و منظور گشته که
 تا حد قدم های و هر قطی عملی کارگران تا به
 سمت هدف پیشروی می باشد هدف بدین جهت که
 این مراحل جدا نباشد. حداقل و حداکثر است
 در حالی که با معیاره هر یک از این مراحل متخلصل
 شود چه تا به حدی که هر مرحله ای چه در ابتدا و در
 از جمله اما به تشخیص خود در رهبران کارگران
 تا به حدی که سوال ها از پیش طرح کنی می خود را
 هنر اما در تنظیم کرده تا شد در حدی که می شود
 تا مسیری تا به نقطه اولت به خصوص رهبران تا به حدی
 باشد نظیر اما فاعل در یک شکست دیگر به نسیب های
 کارگران توجه داشته باشد و در نقطه های عمل خود را
 در نظر گرفته این واحد برای کشنده کارگران
 در شرایط دشمنی طرفیت در آن خلقات سنگین را در
 عملیات خود می باشد.

اسج می باشد تا از اهداف و تقسیم گنار
 قول و قرارها می است که تا به معیار رهبران در گفته
 عملی بر فراز ورود عمل خود تا آنجا که صورت تمیزی
 و اهداف در دست خود کارگران را با کار و ذهن خود
 طبق آن نقشه ای که آنگاه تا در خطوط کلی تدویر
 کرده اند **بیتنگل** به کند.

رهبری به هدف و امتان دهد و از رسیدن به آن
 را در وقت ضایع صحیح تر است تا گنجیک ها را می باید و
 کارگران را بصورتی اصولی قدم به قدم هدایت نماید
 تا آن تا گنجیک ها را نشان دهد و در رسیدن به هدف
 راهی گنند. رهبران آنگاه به نقطه بی جهت در اصل
 چشم کارگران نمی بیند. تا نقطه حرکات خود بخود
 پیشان را تحسین نمی کنند بلکه با احتیاط به اینگونه



مجمع عمومی است. ما بگوئیم رهبران کارگران نمیوانند بوده، بی شکل کارگران را پیش از چه قدم بدسال خودنگانند این هدایت آن زمان مسواذ استمرار یا بدکه بمشور جمع ما من یسه حرکت متنکل بوده اما اعمال شود. اگر امروز سطح شکل نوده ای کارگران به هزار یک دلیل یسه اداره سطح یک مجمع عمومی ناده پاشین است. باکی سبب از هم جدا یا بد شروع کنیم و بناچار بر همین ابرار یا بد یکنی با شیم. عیار زه را بسا انگا به همین شکل ناده بی جلسات عمومی کارگران پیش می بریم و در هر قدم این ابرار را متکا مل بروقا و آند شو می کنیم.

مهم این است گفته اند. روز و سه فردا را موش کنیم که بیروی حرکت ندارد. بیروی نوده کارگران است. فرا موش کنیم که ما طالب حرکت آگاهانه نوده ها هستیم بنا بر این در هر حال باید بد متنکل نوده ها که جسم بیرو آگاه ای آنها نیست عتکی با شیم و آرا به رسمیت بشناسیم... بعضی اینکه اگر رهبران در مقطع سیاسی تنظیم داده اند که ما سبب ترین شکل اعتراض مثلا به لغو تعطیلی پیشنهادها در یک کارخانه: اعتاب بد شست و روزهای

پیشنهاد است باید بگوئید ما مجمع عمومی کارگران این تصمیم را بگیرد. شاید شرایط فعلا ایجاب کند که برای طرح چنین پیشنهادی در مجمع عمومی آن را در میان چنین پیشنهاد دیگر مرعکس کنیم. شاید برای این کار، فعالیت دسته جمعی سیاسی و شناوری لازم باشد لکن راه اصولی که ما بین اداره کاری است همین است. طرح شدن این پیشنهاد در مجمع عمومی و واگذاری تصمیم بد کارگران و هدایت آنان در تصمیم گیری، این امکان را میدهد تا عده دیگری از کارگران مواضع آن سبز - علاوه بر رفقای خود ما - حتی بصورت بیج و بی درگوشی از اتحاد ما در مقابل

مخالفان دفاع کند و رسم را برای اساعا دملنی آن من عذر سرا بد... این امکان را میدهد تا پسامیل کارگران در مبارزه بد رسد از ریایی شود. این امکان را میدهد تا حد اکثر اراست به تصمیمی که گرفته میشود سوچه نوده و جزئیات مربوط به اداره اعتصاب (با هر آکسیون دیگر) مورد توافق کارگران قرار بگیرد... امکان میدهد تا کارگران هم درنگت و هم در بیرو روتان بها مورد هر عاذه مجمع عمومی و رهبر سار زه. عذر سه ای برای رسمیت رهبران جدید باشد... امکان میدهد تا اداره کنندگان اعتصاب رهبران هملی. مترو عیت نوده ای بسا بد. در تمام طول مبارزه مورد حمایت فعال کارگران باشند و در بدترین حالت برای باز جویای دولتی هشتم جواب های گونا عتقی داشته باشد... علامه امکان میدهد تا کارگران با استواری بیشتر در مبارزه شرکت کنند چون ترکیب کنندگان خودشان تصمیم گیرنده گانند.

ایسکه گفته نود کارگران در مجمع عمومی سه چنین مسائلی فعالیت (از بیرون یا هر چه دیگر) بر جسد و بخواهد کرد. بخصوص از زمان کسی که داعیه رهبری دارد. تنها میتوانند بهای برای اداره شیوه های ما جرا جویا بسا بد. رهبری که بخواهد ما دور زد این اولین مانع اعتصاب براه بسا بداند. بنحو خطرناکی بسا بد پروازی میکند. مسلم نیست که اگر بحث قابل توجهی از کارگران نتوانند در یک مجمع عمومی علنا و علنا رای به یک اعتصاب بدهند هرگز بخواهند بسا است. چه به فراخوان کسی یک کمیته معنی وجه بد و خوب علسی و فیر ما بسا بد یک رهبر را خود گذشته. علسا ماشین ها و در روز موعود مسولند کنند. و اگر همه فرد روز سه پنج و زیر فرمان گذاشته شدن عبرتشان به ایسکار و ارا خود ارادانه مساره



با خوان خواهند بود. واداشين امين کارگران به
انتخاب ايها راگسيون ديگر. قبل از اينکه
نسبت من به جمين معني را به او داده آقاها شده
فورا بيان تفصيل کنيم من شگ نشکنت. هفت بيست
با من و توميدي منترو و نا اهره دستگيري رهبران
را ميخواه خواهند -

پروژه رهبري کردن قبل از هر چه ميروند
با هم تفصيل کردن تخمخ رهبران به جمين
سود حاصلت - ما مياين ميديان و هر چه اعدا شده
معالمتي با گنجينه معني رهبري کنند و رهبران علي
جمع عمومی کارگران است. جمعي که ممکن
تخمم گيري جمع کارگران را در اذهاني زاده ايار
است.

خلاصه کنم. رهبري معني سازي کارگران
وظيفه سختگي و تعظيم ما پذيراست. احسان
ولنا و روزگار و هر چه اين وظيفه را ميدهد
ما بر ميآيد بلکه ما را موظف ميآورد چه
روزنها ما را با شرايط تطبيق مديم احسان
اين وظيفه مبرم و در عين حال حفظ اذانه گتاري
که نا احو و بسيار زياده به حفظ خود رهبران ميوسط
امت و گروه است که نيوهاي فاني و غير اصولي
معاريف را گنا و بگذريم. اگر بحاي رهبري فرداي
رهبري منتقل. بحاي معني گتاري ما طبع گتاري
صرف تطبيق معني از گتاري معني و علني را دستور
دهد. اگر بحاي معني در اذانت خود کارگران ايها
را به اذانه آقاها نه ناگنجيگهاي معني و حساند
رهبري نويم. اگر حايگانه تا گتاريک و استادگيدگان
استاد را سيم. اگر آقاها را عايتگرس احسان است
سازيم و درگ کنیم که ميان از خواهشهاي کارگران
که ايگ در مساوات موضعي مطرح ميگردد تنها
ما سا رده اي سراسري و منتقل متعلق خواهيم
ش و به کارگران بجهانيم که ما به بحاي ميان
اتن سا رده را تا بپوستن بغيهاي ديگر ازارت

پروستا و يا گتاري بشود آرند. اگر بحاي انگوسهاي
به رهبري شمر که مترو مت نه خودتان شهيد
ستونه خوانان رهبري به پيوسته ما همراهِ مسما
استعا چونان نده کارگران ما سيم. اگر بحاي
لهرت معني. قدرت با فني و اعني کارگران را در
ديور گتارييم. اگر هر چه احاي سعادت جسد و را
معني عمري کارگران را در جسد و سا رده
مردم فعال و منتقل. ميکن ما سيم و کاروانها
مجان اذانه جلد معني که او بر چتر حايست
فعال آنها خارج حريم و اگر بديکات رهبري گتاري
بر شهريه بي بي به ما سيم حواصم سواست
نقط در اين شرايط. که در افاج و احوال
شماره ترا و اين رهبري رهبري را ايها سا شده.

ما ميگوئيم کارگري که اريك سا رده که
عدف است. آقاها به رهبري ما سيم. بيست روز
هر چه اذانه رهبران را هم خط خواهند بود.
ما ميگوئيم طاقان از رهبران رهبري سا رده
است و منتظر ما ميوسط بدون اذانه. من رهبران معني
سا رده ما به ما رهبري رهبري رهبري رهبري کردن
شود و احسان گتاري ما به رهبري رهبري رهبري رهبري
را به رهبري و اذانت.

مبارزات کارگران به چه معني اذانت شود؟
گتاري رهبران ميخواهند و ما به رهبري
سا رده کارگران را معلا هر دست گتاري و گتاري
مهربان است که اين حالت به مؤلفيت کارگران
مؤلفيت هر چه گتاريک. ما حاي رهبري
او رهبري سا رده کارگران فراهم ميگردد
کارگران معرفت و حبه خود را به ما سيم. در
سا رده فعال ميشود و بحوي رهبري منتظر اذانه
تصرف. به رهبري. ما سيم. اگر حاي رهبري
رهبران رهبري سا رده را متعلق است اما ما به
ا رهبري است اذانه سا رده او رهبري. دکارگران



آزادی، جمهوری اسلامی!

این آن شعار عمومی و سراسری است که مبارزان کارگران باید آنرا به درجهت هدایت خود، نان، آزادی، جمهوری اسلامی، بیان کنند. علاوه بر اهداف و مطالبات عمومی طبقه کارگرایان در انقلاب حاضر است. این اهداف و مطالبات در برنا به حداقل حزب کمونیست ایران به مشترک گمونه و ا. م. ک. ۱۰ باید تمام بر خورده و ذکر شده اند. مبارزان کارگران در هر جا و به هر شکلی که آقا زنود یا به توسط رهبران آگاه در جهت تحقق مفاد این برنا به حداقل هدایت کرده. مبارزه را ستروان به موشطیلی پنجشنبه ها باید به طرح شماره ۴ ساعت کار و دو روز تعطیل سالی در هفته اضافه باشد. شعار کارگر رندانی آزاد باید به کرده تا به به شعار رندانی سیاسی آزاد باشد. هرگز بر پا مدار. باید به شعار رندانی بیاد جمهوری اسلامی. بر فراز جمهوری دمکراسیک اسلامی، رنده یا مسلح عمومی و ... ارتقا باید. کمسار و روزه و مجلسی اجباری باید به حواس جدایش کامل مذهب اردولت و کمونگره بنده رسی کننده شود و ...

علاوه اینکه ما میخواهیم جنبش کارگری در کوماندترین زمان به جنبشی شده ای، سراسری و شکلی به سوراها تبدیل شود که برای تحقق شعاران، آزادی، جمهوری اسلامی، مبارزه میکند. هر مبارز عمومی سیرسماون جوشی ار جسته کارگر و باید به این سب هدایت شود.

را به چه کسی باید هدایت کند.

مبارزان کارگران در حال حاضر عمدتاً بر سر مطالبات اقتصادی کل میگردد. این مطالبات بدلیل ضعف کارگران در مبارزه کلی بسیار محدود و عمومی طرح میشود. علاوه بر این هرچند سرگوبکرانه و عدد بکتر است رزیمه کارگران هر سر امدار به این مبارزان محدود گمونه مانند - به سربت مجموعه ای از عواملی دیگر استیک را بطور خاص به مطالبات اقتصادی کارگران همیشه میکند. اخراج فعالین، دستگیری کارگرمندان، محاصره اجتماع کارگران، حضور با امداران صلح در کارخانه، تعیین بهی، همه و همه کارگران را وامیدارند با اینکلی محدود و دست و پا شکسته به لگدمال شدن بعضی از محور دیگر استیک خود هم اعتراض کنند. و با رعلا در همه، مبارزان اخیر تا هم بوده ایم که ارتقا سهای رزیم، دستگوران و تا ملان رزیم هدف جمله مستقیم کارگران مبارز گرفته اند. شعارهاش چون مرگ بر همه بر ما مسل، مرگ بر پادار جانی بر ما چه دار، ملانی امدام باید کرده و استالیم. هر سب بی پایان کارگران را ارمونگران و تا ملان رزیم سالی میدهد.

کارگران خواهان سرگومسی جمهوری اسلامی - اند اما شعارشان صورت مرگ بر پادار است. آنها خواهان آزادی و دمکراسی است اما نمیتوانند از شعار کارگر رندانی آزاد یا به کرده سار و روزه، آنان رفاه اقتصادی و ارتقا سطح معیشت خود و خانواده هایشان را میخواهند و اینرا فقط در امرا رتشان در ماست از کمونواله، بیان و موشطیلی پنجشنبه ها و کم شدن حقوق و امرا بیان می دهند. هدف جدایی لازم نیست تا در ماستیم که حتی شده کارگران در هر مبارزه، عمومی، بطور خود وجودی و ما خود گمونه، شکلی دفاعی، محبت نشسته و خمیر شکل یا سینه، تحقق شعار عمومی انقلاب را میخواهد ... بیان.

اگر ما کارگران را از ده گمونه هم چرخها از حرکت باز نخواهند
استاد

دو روز خروج معمول علم گسری گشتند و در نوبت آنها
آنها را همدانش چند هزار نفره سرگزارا گرفته شدند و
معا یندگان دولت را فراری داده اند و پیشانی از
چو آنها میماند و به نگرسی نشانده اند. آنها حتی
در این اواخر هرگاه از آن کرده اند اعتبار راه
انداخته اند. باید به نرسیم کدام عامل عمومی
و سایر امری است که به مث می شود کارگران در مبارزات
نتها و متروقی میمانند، شکست بخورد و نتج حاصل
حما رات و تلفات سنگین گرفته آ

۲. عامل عمومی و خود عقلمان، مطلقه پامس
و آرگامهای عمومی از محیط مبارزه میانی نقدان
آرامشهای دشمنان شیک و دیگرانی است. همسسه
پلوسی این مبارزی نیز یک مبارز را در یک سینه
همه حزب میاندکد و حتی دشمن نمواند هر تعمقنی او
که حمایت شداری نماید، هرگز را که میخواست
سنگین کرده و ولتی که آنها را میباید افتاد هر کس
را که هویت ایجاد کند. سط مبارزه و پیشروی آن
خا چه آنها را مشکل میشود. این آنچه در محصل هر که
نمیخواهد بیعت کند همین شرایط مبارزه هم نویسه
موردی می از مبارزه اما مال قدرت خود است
سما به محوری که به تمام اعتبار و دشمن و میساروا
شده ای تا و برای حفظ برای اهداف اقتصادی و
ناب به مردم میخورد و وقتی باید فرود سیاست
میگذارد و میزند و آنها همان بسط گذاری و سنجگر کردن
بعضی حزب جمهوری و گشتن سوده او آن و زمین و خور
کردن یا بهاران و صا سوسان و بساطت. اگر
کارگران سیدوا اندر آنها میمانند که هزار نفره شربت
دهنده و مدیر مل میل دشمن شده آن از همکاران نشان
را از خارج نجات دهند خدمت خطان و سامنور را هم
سیدوا اندر به نیروی مبارزه خود نگاهش دهند. اگر کارگران
میخواهند در صورتی ساد و اثر صلح بحرا با همه
و از برشت و لگد میخورند لطفاً این خوانا کسی را
همه را ندکده پات او آن مصالح را زاپشت در همسای

اما داده لومی است اگر بینه داریم که کارگران
منوا میماند و به ما از قبل و موضعی خود را که در صا
بر سر ماب کار و گرفته است محور فرار داده و آنرا
آبدر کتن میدهد، آنها را اعتماد و راه میماند سسی
کند. آنها هم سیا پندگان دولت را کنگ بسط میسند
با مالاخره. با عامل کار و در در تعطیلی سراسری
کارگران یک مابریک بسوسیت نشا من شود. خبر
این بسوسیت است. بسوسیت است طیفه کارگری
که همسوز حق شمع و ایضا دستگل و برای خود
نشیت سنگر هاست بشوا ندا مرور در اوج بسوسیت
عفا نی سرنا چه در وی هر کشوری چون ایران هاست
کار و به مور و زاری تبدیل گشته بسوسیت است
مبارزه ای که در چهار دیوب یک مابریک میسود است
موفق به حل مشکل سراسری آورد. بسوسیت است
که کارگران به ما بسوسیت سر موشی جدا زدند
طیفه داشته باشد.

بما بدفرا موش گشتیم که محموله شرا بسوسیت و
ارمان و حوالی که طیفه کارگروه آن بسوسیت
تا بسوسی از کتل قدرت از در عرصه مبارزه طیفه شسی
است. هم طیفه کارگری یک گل بسوسیت است و هم
مطالبات مه افکن. یک مصرا گاه با به بسوسیت
بسوسیت شکی ها این بسوسیت ها و این بسوسیت ها
را در ک کس و راه بسوسیت در هیچ مبارزه در دست
شخصی دهد. هر جا که لازم است کارگران را از
با فشاری می حاصل بر روی مطالبات معین بساز
دارد به طرح مطالبات دیگر که لازم در اندر
وقتی است. ستر چه سازد. بسوسیت مبارزه سراسری
بمیدن به هدفهای بزرگتر به عمل و گسترده ای
پیشتری هم مبارزه را. برای پیشروی در یک جنبه
گاه لازم است بسوسیت جدیدی را بگشایم.

کارگران در عمل نشان داده اند که بطور
همه طیفه نشان قدرت شعری و سیاسی دارند آنها
نواخته اند و کارخانه ایران تا سیو مال چند



کارخانه عقب سراسر و احار و رودخانه کارخانه و
سازمانها هستند.

همه ما خوب میدانیم که در فاشی که اسل از
مفروضات است با اینها سر ما به داری و اسل
سویالیم ما ط میوه اما در همین حال و همینکه
سرای میوه سطح معینتمان مبارزه کرده ایم و بر
سورسومان میهنود چاه زده ایم پس چرا در باره
آزادی - جبری که سارا میهنود چاه تو مان افاده
حقوق با حواله ناسی بگ پگان برای ساسان
اررس دا و همین میگویم؟ چرا نعره میگویم که نا
وقتی جمهوری انقلابی ما فط شده است آن همیسی
اشرا و کلاه هسی کلاه؟ چرا برای میهنود شرایط
سار را مان برای حقوق انکار میگویم مبارزه
میکنیم؟ چرا برای بر رسمیت شناختن آن تک نیک
این حقوق چاه میسی رسمیت؟ اینکار ما را میهنود
و با پیدا سجادیم اما در سلس هرگز سیده ایم که
کارگران مستظیما برای کسب حقوق دمکراتیک خود
بای سدهیدان مبارزه نگذارند - بلکه را با سده در
سورسوی کارگران میهنود که همیشه سنده
دمکراس سسوان بگ سنده؟ جسی مبارزه سعادتی
سوخه کرده اند و جای بگ و او همیشه آزادی و کنگر سده و
برای کارگران سوسیح سده اند.

اگر ما حق داشته باشیم که آزادی سده سحر بگرینود
انحرود داشته باشیم که معنی عمومی شکیب دهیم
حق داشته باشیم که اعمراس و اشعاب کنیم هسی
تا اعمراس سده مان آما ستر سده پیش جواد رفتند
اما "حق" اگر کجا میاید؟ چرا سده که سسرب
داشته باشد چرا سده که برای داشتن "حق"
سار و کرده ما سیم سیمان سده" حق" جواهر

است - کارگران ایران هم اکنون عملا سسزار
حق که این سس هسولی سس سس سس سس
دارند - علمانیان ما هم برای این سس که سسرب سس
را آگاهان بودا سده برای سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
وسط مبارزه سس سس آزادی سس سس سس سس
آزادی ها را ما سس سس سس سس سس سس سس
دهیم.

سار برای دومین قدم سس سس سس
سده؟ کارگران برای سس سس سس سس
سار را با آنها برای کسب سس سس سس سس
است - ما باید کارگران را برای سس سس
جدیده ما ده کنیم و سس سس سس سس
آزاده های دمکراتیک را با آنها سس سس سس
این سس سس سس سس سس سس سس سس
سسی این قدم دوم در مجموعه ای از آزادیها
آزادگوشن سس سس سس سس سس سس سس
کارگران است - البته سس سس سس سس
علی سس سس سس سس سس سس سس سس
کسب سس سس سس سس سس سس سس سس
داشته باشند - یعنی این سس سس سس
سسی و خود کسب سس سس سس سس سس
سساط اشفاق و سس سس سس سس سس
همها سس سس سس سس سس سس سس سس
را سس سس سس سس سس سس سس سس
رهبرای ما سس سس سس سس سس سس
سسی سس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس

پیش بسوی ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری!



ما نمی توانیم بگویم که ما برای کسب حق برگزاری مجمع عمومی بنگار و رهنه ما زده کنیم. آنرا تحصیل کنیم و رسمیت بدهیم. یعنی بجای کسب کردن رئیس انجمن اسلامی و مدیر عامل آنها را واردیم که زیر یک موافقت نامه رسمی امضا بکنند تا کارگران بدون وحشت از انجمن اسلامی و بدون ترس از تراج به مجمع عمومی بپیایند... بنا براین ما آنجا به مجمع عمومی هر چه سریعتر ندرت آوریم تا شما را انجمن اسلامی این لایه حاکمی تعطیل نماید گردد رایحه هم... اگر روزمان بود حتماً باید کارگران اغراض رایحه سرگرا بر گردانیم. اگر میتوانیم مدیر عامل را راه رکنیم تا بپذیرد که اغراض هیچ کارگری نباید بدون ادای توضیحات به مجمع عمومی کارگران عملی گردد. پذیرش کنشی او را بپذیریم بیضا بپلوا علانات در کنار پیشنهادها می گوییم پس چنانچه تا مجمع عمومی این شکل نبوده ای کارگران را تقویت نمائیم... این کار مؤثرتر است و مولی تر از فریب زدن بی حاصل شمار مرگ بر مدیر عامل است. اینها و نظایر اینها که بسیاری از خوارای است که رحمت تعلق شمار اغراض تنها در صلاحیت مجمع عمومی است بر مدیران و همعه این اقدامات برای اینست که قدم بگذاریم خوانا می گذشت بر لیا و با چه مسووری اسلامی و توانا می مستقر ما این کسب ما هم با به همین در این حیطه نیز محدودیت های یک مبارزه موضعی را در نظر بگیریم یعنی اینکه در کسب که ما هرگز نخواهیم توانست در حالیکه ایران سر از زندان و شکنجه گاه و جوبه دار است، کارخانه ما را به بهشت آرا می و دیگرانی تبدیل کنیم. اصول چنین چیزی با یک مبارزه سراسری و بر قدرت ممکن است. اما منظور ما این نیست که در هر جا رجباً با بر یک محدودیت نمودن و توقف کنیم.

راه پیروزی ما از سراسری شدن مبارزات استمان میگذرد ما باید با دیدن درک این ضرورت مبارزات موضعی ما را در جهت مبارزی شدن پیش ببریم و این قبل از هر چیز در سراسری شدن محطیات مطالبات و اهداف مبارزات موضعی ما را بسوزانیم تا نشان خواهی داد...

اگر می‌توانست کارگران ذوب آهن در راهیما می چندین هزار نفره خود در کنار طرح شمار فولاد شهر بسوزانیم قطعاً ما می‌توانیم ما در میگردند و اعلام می نمودند که آنها تصمیم گیری در دوره اغراض را حق مسلم مجمع عمومی کارگران هر کارخانه نمیدانند... اگر در کنار شمار مرگ بر با سدار ما می سرمایه دار و رسماً اعلام میگردند که آنها خواستار بر چیده شدن لقای مسلح و با سداران از صحت کارورندگی مردم و از جمله خواستار سقوط است. استقرار روز و در آنها در کارخانه ها مستقر شده و ما مستقر در همین آرا می نشان، اجتهادات و شکل... برای همه کارگران و همعه مردم ایران میگذرد، اگر خواستار بر چیده شدن تمام انجمن اسلامی (اهدایات حفاظت اسلامی شده) از کلیت همه کارخانه ها، ادارات و مدارس میگذرد... آنجا خود ما خود میگردند که به لفظ و لقای کارگران در اختیار، بلکه دانش آموزان، کارمندان و مطلقاً و خودهای وسیع زمینگشان شهرزده و تویس هائی آنان را گلباران میکنند... آنجا ما همه میگردند که با میهای شیمیائی کارگران اغراض ایران بدستشان میرسد و در میهای هنگام انتشارشان میشد... می بینید که اعلام یکمادی یک حرف مولی از اقدام به عملی ما در فیرا مولی هم مؤثرتر است و هم ما نخر. کارگران نیز اقرالت کننده یک گفتار ما به چندین ما جدیت مشتری و با یک گفتار تا از کسی که ما مورد دولت و اکت زده است



و همگذاستان هماران سکه برای ناسنجست
منظماً برای مجمع استحضت گفستند عرض
شد و استقامت و ...

از مجموع دور ساقسیم کارگران ایران با
شمار زیادی امثال و منکلات عمومی و سراسری
مواجهه شده است. اسباب عامی درک میکنند که
کلیه حل همه امثال منکلات نیست که بدو شواهد
سازنده منتهیل شود. و این دول احسانی نمی آید
و اکنام را بدستبرد. هر چند از منشی کارگری که
معلول و بیسوی استونی بیرون معارضه ای گفستند
سری و از آنجهان دمکراسیک را در دست بگیرد. خود
بهشت از سراسری کردن چنین کاری سوز خواهد
بود و انگاه از منشی منشی از منشی کارگری
یک قدم عملی در این راه بردارد. خودهای عظیم
مردم سندی و در زورگنده ایوان بدست می آید
خواهد هر چه است. تا روشنی از معانی و از انطباقی
و ایضا از منشی همی طیف کارگزاران خواهد شد...

یک رهبر آگاه حسیز کارگری باید محدودیت یک
مبارزه را بر یکی راه ترک کند. و دستوری مبارزه
طیفانی را از یاد نبرد. یک رهبر آگاه متعلق است
فقط کارگرها بدو خواهد بود رهبر یک اعتصاب بلکه
رهبر یک انقلاب باشد.
گفستند که کارگران باید همیشه حدیث را
نگاه بند و مستقیماً برای کس حقوق و آزادیهای
دمکراسیک و بر جبهه شدن انعام دستا همسای
سوز و رژیم در حوره های فعالیتان مبارزه
کند. ما مستقیم گه اگر چنین حرکاتی (مستقیماً
علیه خود گفتن) آغاز شده و بدو دست رهبری
گردد. منشی ساگر برنا حدودی خط سیم خواهد
کرد و دست کارگران در مجمع و شکل و اظهار نموده
و فعالیت مبارزاتی کسی با اثر خواهد شد. اما
ساید فراموش کنیم که خط آزادی سار بسند
قدرت و اعمال آن دارد. ما مبارزه ایستقامت

آزادی در دست می باید بطور مداوم حافظ آن
باشیم. در اوج مبارزات، در طول اعتصابات بعضی
آنها گفستند که در مجامع است. این آزادیها فقط
بند می آید. مجامع تشکیل می شود. هر گاه
هر چه بخواهد می شود... اما این آزادی سار را
سیمت. این آن چیزی نیست که ما بخواهیم. ما
میخواهیم روزی که از اعتصاب جدا می شود. در
نظامی است می آید. پس باید دانستیم که با منشی
منطقه منشی دمکراسی به منشی استونی مبارزاتی
را از زبان داد. ما به هر طریقی که از منشی منشی
منشی مبارزاتی می شود. ما سوز خواهیم داد.
این منشی از این سوزاها با خود منشی سوزی
در مجمع عمومی ما مانع است. ما برای این
رهبران یا بدو موارد است. ما باید کارگران در دست
کسب حقوق دمکراسیک و منتهیل شواهد عمومی
مبارزه. مجمع عمومی کارگران را می خواهد هر چه بیشتر
به منشی و به منشی این دستاوردها. در مجامع
منتهیل شدن به یک شورای واقعی است. ما سوزا
در هر قدمی که مبارزه را پیش می برد. درجه شکل
کارگران هم با بدو است. باید ایجاد سوزاها
کارگری (بهمان شرایط که در کارگزاران)
گفستند) باید در سوزا ما بدو است. سوزا
کارگران هدف قرار گیرد. پرونده ایجاد سوزا
را می پرورده هر چه بیشتر مطروقی دادن به معنی
عمومی کارگران است. آن مجمع عمومی که فقط
تشکیل شود. هم تصمیم می برد و هم مجری تصمیمات
خود باشد. کمیته های مختلف اجرایی و هیات های
مختلف نمایندگی در آن شکل گرفته باشد. آگاهی
پرروابط و حقوق افراد و کمیته های مختلف آن به
عمومیتی تبدیل شده باشد و ما سوزا سوزا و
یک کل ارگاسک در صورت شده دیدن. مطروقی
و فراموشی که همه از آن آگاهند و ما سوزا
همان سوزا است که با بدو است. این سوزا



خود سازمان بوده ای مان! محم عمومی دعوت
و حکم بود. تحریر بیان داده است که بوقصد
مجلس کارگران در مقابل بوده ای در مقابل
حکومت رژیم سرکشی با بیان روحه ای معرفی
می بخشد. قدم دوم رهبری سازماندهی حرکتها
سختی و بیکیه مدتی در جهت گت و سست
حقوق دیگران یک مدتی سست. مجلس شورای
است. ارتقا نهارهای این سازمان به سفارهای
عمومی سازمان، همسری گام در جهت خلق سایر
بهره های جامعه کارگر و کشته سراسری بدن سازمان
پراکنده گموسی است.

اما آنچه میسر خواهد شد آنست که تمام اول و
بدرستی برداریم و آنرا به قدم دوم تبدیل کنیم
در اساس خود سازمان از آن است که در دل معاش
سازمان پراکنده کارگران که متکثر و نامتجانس
رهبری عملی آنها را در دست بگیریم بطور ویژه و هدفمندی
اگر نتوانیم و گسترش شکل رهبری و بوده ای کارگران
را دنبال کنیم. سازمان کارگران متجانس
سازمان به آن سازمان است. این سازمان نیروی راسته
دست آورد. اما آنچه که امکان ندارد
سازمان، رشد نیروی ها حفظ و ارتقا
روحیات و گسترش آرزوی بیشتر از آنست که
بوده ای کارگران است.

نگاه سازمانی که بر آن سازمان گردیم
ارجمندگانی رهبری عملی که از آنها به دست آورد
اعمال میگردند و در محتای نگار محیط سازمانی
سازمان سازمان دارد. یعنی رهبری عملی
سازمان بوده ای همی در کوه همسری سازمان
موضعی اما به طریق همکاری. وحدت عمل و
ارتباط ارگانیک سازمان سازمان یعنی متجانس
استان خود. پیروانی که به فتن خود به نفع گنار
رهبران سازمانی به معنای رهبری اصولی است.

مجلس عمومی ایران است و این است که نفس وجود
توده ها را به سازمان جمهوری سوار است و
اصول و نواخواه است. این سازمان است
نفس آن جمهوری و رکن اصلی آن است.

سرمختشما خسته شدن حق نفع کارگران و حق
سنگل منظم طبقات جمع عمومی است و این سرس
و همسری مطالبه سازمان کوه صبه سازمان برای
دمکراسی است و تشکیل آزادانه و منظم جمع عمومی
کارگران اولی گام سوی ایجاد نیروهای واقعی
سازمان حساب همسری کلی حرکت و هم معده های
عاجل و دوری رهبران عملی و کارگران پیرو
بهد معلوم و روشی است.

اهم آنچه را که سازمان گموسی بطور ویژه
میگردد.
حس کارگری این فاسد را دارد که
حس سراسری و رهبری علیه وضعیت موجود و حکومت
جمهوری اسلامی بدل شود. اینکه اکنون پراکنده
و ضعف است و در وضعیت ضعف نسبی قرار دارد
خاطر محروم بودن کارگران از نیروهای مساوی و
مساوی سازمان است. کارگران از سازمان
رهبری و روحه خوب برخوردار نیستند. با لفظ
نفس این فاسد درگیر و دولت فعال کارگران
آگاه و بیشتر در سازمان با لفظ است که سرس
دفاع از حقوق مسلم کارگران تقریباً همه جا در
حربان است. منظور از این دولت سازمان تبدیل
کردن سازمان به موقعی و پراکنده گموسی است
حرفی است که همسری و سراسری و نوازشی
سازمان برای نطق تحریر آن را در جمهوری
انقلابی میگویند. قدم اول رهبری عملی سازمان
با لفظ کارگران. تبدیل کردن "فلسفه سیاسی" به
"مقاومت سازمان" ساخته و مستعد است. در طی
این حرکت سازمان به روحه کارگران را سازمان



آگاهانه اتحاد میسازند. تبدیل کدوآنان را رهبری نماید. کمیته انقلابی علانی تشکیل میدهد درجه تشکیل کارگزاران را. برای مداوم هر چه پرمشورت بر سازمان و طریق تبدیل مجمع عمومی کارگزاران باینک مجمع عمومی متشکل یعنی شورای اعلیٰ ارسطو دهد. کمیته انقلابی بیک رکنی اعلیٰ جمهوری انقلابی را احکامیت شورا میدهد...

با نقشه پیداست که کمیته انقلابی با ادا نامه حیاتیات مبارزاتی اش خواهد توانست تنگه روابط باارمائی معنی خود را هر چه بیشتر گسترش دهد. این حرکت سیر تلازمه براساسک لازمه قدرت با نفس کمیته و عاقلین ادا نامه کاری است خود دروجه دیگر مستقیماً شعوبیت صفوف کارگزاران ارسطو نظرسنگی است محبوب میشود. بوجود آمدن باارمائی شده‌ای و فلسفی و شعوبیت همه کارگزاران در این سار-سها. هیچوجه ما فی این حد گدائی اکثریتی از کارگزاران برعین حال دریک سازمان انقلابی و بهر معنی عمول بکار می‌شد.

همانطور که قبلاً اشاره کردیم متشکل دروجه اول بکار می‌باشد. کمیته انقلابی هم درجه اول بکار می‌باشد معنی استند بیک قسم ارسطو هدند و کار مشترک و بهم پیوسته به هم روان است و اما از اتحاد فعلی آنان. امروزه سازمانی در این سار-سها در این سار-سها. آری این مقدمه حرکت به شکل متقدم دارد. رهبری کارگری که فقه گرد آورده کارگزاران و متروپنیان گذاردی بیک کمیته انقلابی را دارد با این سازمان که اول می‌باشد و

مردود فلسفی کار فلسفی و معنی در سراط فلسفی و همبستگی به جهت کلی حرکت آگاهی دارند و با یکدیگر همبستگی و همبستگی.

کمیته های انقلابی

مردودگیری ارسطو معلوم گشته‌اند و جنبش کارگری در گرو است که به هم روان آگاه طبقه رهبری عقلی کارگزاران را بطور متشکل در دست بگیرد و مبارزات بافعل را هدایت کند. با کارگزاران انقلابی و مبارز را با هم می‌خواهم بر طریق تنگه کمیته های انقلابی پیوسته در کارها و رهبری عقلی را بطور متشکل بر اساس اصولی که به سر می‌دهیم بجهت بگیرند. کمیته انقلابی سازمان فلسفی رهبران عقلی مبارزات کارگزاران است که هدایت مبارزات کارگزاران عوده فعالیت خود را در جهت ایجاد یک سیستم کارگری بر اساس دروازه سار-سها سازد. آری این جمهوری انقلابی و طبقه خود می‌باشد. کمیته انقلابی نیروی محرک مبارزه را خود داده و کارگزاران دانسته و می‌کوشند با آگاهی کارگزاران آنان را در سازمانهای خود با مشکل کرده و بطور سازمان یافته در راه معنی این شعار رهبری می‌باشد. این کمیته مجمع عمومی کارگزاران را متروپنیان فلسفی ارگان تصمیم گیری کارگزاران بر می‌گردد می‌باشد و می‌کوشد با آگاهی به نیروی همسران ارسطو با خود. از طریق اعتراضی طبقه های فلسفی و عاقلین که لازمه کار فلسفی در سراط فلسفی است و با طبعی معنی او کار معنی و فلسفی با فلسفی های اصولی و بهر دو سازمان کارگزاران آگاه و به هم روان است تا کمک هائی که خود کارگزاران

تصمیم گیری درباره اخراج تنها در صلاحیت مجمع عمومی کارگزاران است.



با صحت کارگری و در عینهٔ عمال لیسانس، در رتبهٔ انقلاب بطرفهاست که به کمیتهٔ عدلیاتی برانگیزد. آن محمود مینویسد: ... در نظر او این که مقصد مشترک خود را بسز اول با اعتراض بر آورد و شرفیاد کرده باشند.

کمیتهٔ سیاسی انقلابی و هستهٔ های

کمیونسیتی

و قایلین که او را با دعای مجتربین و قابل ترین وظایف با هم بر دم و سر میزدند. کارگران سازمان انقلابی متشکل در کمیتهٔ های انقلابی تا نسیم. بطریق اولی و طبقهٔ تمام هسته های کمیونسیتی بر رهنمون است. کمیونسیتی کارخانه در واقع حوزهٔ حزبی با بزرگ و خود انقلابی ترین کمیتهٔ انقلابی و مستقیماً متصرف است. این وظایف است. ما از همهٔ هسته های کمیونسیتی میخواهیم که دست یگانگانه این فعال در رهبری عملی مبارزات کارگران در حوزهٔ فعالیت خود گردند. البته تقویر این یکبار با هر وظایف حزبی آنان تعطیل کرده و با هر اوضاعی که در هر جا در دست است. کمیونسیتی به اندازهٔ کافی در میان پیروان با یگانگانه و مشرف خدمت آورده اند. کارگران پیروز و آزادی رهبری مبارزات ما لفظ، وظایف طبقهٔ معیاری خود عمل کند. آری این دعوی و آرای آنان را یگانگانه و با هم در رأی کارگران انجام دهد. با خواهان اسم که گفته شد و نامشکلی که در حوزهٔ کمیونسیتی طراحی می شود در مورد کنایه که همهٔ ملاحظه شده است. احسنا در آمد. همه های کمیونسیتی هستند و طبقهٔ داشته اند که آن سخت از کارگران را که آنجا دیده اند سازمان دشمن مددک آنها مبارزات عملی کارگران را رهبری کند. آنچه امروز بر آن تأکید گذاشته ام و طبقهٔ معددی است. ما نظریهٔ و عیار بودن

مشکل موسم کار خود را از سر آغاز کرد. او همه با رای خود میگوید. ما ندانیم که کمک هم میسر میسر میسر را معصیت کند. حال شواهد های غیر مورد توجه آن ها میسر و درونی و بعضی بیست و دو است. همه قدرتی که یک در هر یک از کارکنان را اعزام کند. برای ما است. تعیین به ایش اختصاص امول و سازمان با همهٔ حادی را بطور مشخص به سازمان ساز خود میسازد. این هستند همهٔ اوضاع برای یک خبری که ما در عین معنی عمومی است. شورای واقعی ... ما نظر شمارسار و ارازی و جمهوری انقلابی است.

ماستروان را به تشکیل یک کمیته

فرا میخوانیم برای اینکه ما طالب ارتقا است. این همکاری ها به یک نقشه کار و تشکیل هستند. ما معوا هم این وحدت عملی و این همکاری های مهمی بر اصول. بنا بر این نباشد و از دست ما سازمان ما که دیگر به ارتقای ما را می ارتقا. ما در هر سطح و در فعالیت و همکاری سیاسی ما این معاد. ما می یک سازمان دانش و تدوین مبارزه انقلابی ستروان را میخوانیم. اما که در هر سازمان این سازمان انقلابی چگونه شکل میگیرد. ما در همکاری های دولت ما با توضیح است. می مجلس یک بلانچر و یک اما ما به استالین. خبری است که به شرایط مختلف آن فاسدک و آمادگی و فعالیت ستروان و بنام رهبران سنگی دارد. ما این حساب نقل در وظایف کمیتهٔ انقلابی تعیین می شود. کمیتهٔ انقلابی و معنی ما است. و لغاتی که اینجا کمیته های انقلابی و معنی شده گرفتن وظایف است کمیته ها را در دستور کار خود میگذارد. ما به استالین است ما است و ما است که معنی آن برای همه کمیته های انقلابی در سازمان کشور بلانچر و احدی میسازد. اگر در نظر ما کارگران ستروان که کرده ام آمده اند مشکل شده اند

چشمه

ما عقب و عقب جنتاری استا موجود آورد

با بر این کارگرونیستی و وضعی همسایه
 ما روزه ما با این و اعتدال و رسیدیم و شوقیست
 ضرورت اینجا کمینه های انقلابی برای رهبری
 سلی کارگران به و آورده تا با بد نظری است
 اشک خنثی (بر روی کارگران پیشرو ما زریک
 سر درگشته آمدن مرکز گروه و بدیده گشتن آنها
 معالمت و بدیش مسئولیت و اعتدال شکلی است
 صورت نگردد. تا سی نشسته معالمتی که در
 به تعریب می رسد با بد نظری این رفقای مؤس
 (که ارتباطاً با آنها هستند بغلی بگمیدارند) بدحوی
 امولی به لفته عمل کمینه های انقلابی تبدیل شده
 و احتیاط کرده.

با بد توجه داشت که با اینجا کمینه های
 انقلابی درگما رهتت هیچگاه ما روزگاری از کمینه
 و هفت رهبری عملی و هدایت کارگران آمده است
 تا لفظ نمی شود. با اینجا ما این کمینه در واقع هسته
 هر چه بدی برای اعمال رهبری و انجام وظایف
 خود خلق میکند. هسته رهبری حال با بد ما بدست
 تمام کلمه معالمت، روابط، شکلهای منطقی شده
 کارگری را محدوداً فعال با زود و جهت بگمیدارند
 گرفتاری و ظایفی که بر سر مردم می گذارد آورد.

در شرایط ایده آل هسته رهبری به خلق هسته
 واسطه برای سازماندهی و تربیت محسوب کارگران مستقل
 رهبر کارگران هستند. تا ربه کمینه های انقلابی
 امروز از فقدان حزب و صف حوزه های حزبی ما نمی
 میفهمد. امروز هر زمان دیگر که لازم باشد ما بد به
 این نیاز تا کمینگی پاسخ دهیم بدون اینگینه
 نرا موش کمین که ما نخواهیم آنیم که هسته پیشروان
 نهاد حزبی داشته باشند. پس هر جا که کمینگی
 انقلابی هسته کمونیستی در حوازم فعالیت است
 میگذرد ما هدف هر چه نزدیک تر شدن آنها در عمل و
 کشنده شدن پیشروان به کار حزبی، تحت نظم و

تجدید در صفحه ۳۸

اگر گویند که در این جنبه های کمونیستی ما به
 در سطح معادل انقلابی. واحدهای کمونیستی
 و واحدهای انحصاری باقی میمانند. اگر چنین
 است ما در بعد از این وضعیت مدوا مدوا پیش فعال
 خود را در امتداد حوزه های حزبی در رهبری کمونیستی
 مدوا روزه بوده ای بوقه دیگر به. جلالت هسته های
 کمونیستی مدوا به جهت دریا راه است تا جات عملی
 از رهسودهای ارگانهای شکلی است. طرح نهی
 عملها و توجه و وظایف خاص هر یک از افراد مربوط
 به هسته و هر چه ما روزه هستی اینجا ما به.

اگر هسته کمونیستی هنوز به واسطه های
 تا در دست خود را با چنین پیشی را اینجا کمینگی
 با پیشروان و فعالین حوزه فعالیت آن ارتباط
 سردی را که لازم است رهبری مستقیم است ایجاد کرده
 است بدو با بد پیشروان را در کمینه های انقلابی
 (جدال خود سازمان دهد).

بهر حال اولین انگیزه اشکلی است ضرورت
 برداشتن به رهبری عملی - با توجه به عملی بودن
 بخش هستی آن... نشسته تا در پیش هسته ها است.
 ما به کارها و کارهای اینها و اینها ارتباطی و
 کارهای دیگر از روش رهبری با و فعالیت اینها
 به راه نشسته. تا به ما پتان با کارهای خود به آنها
 ما میفهمد. با این ما تا کارگران پیشرو ما روزه که در
 تا رفته به هر چه اینها و اینها و اینها به یک کمینه
 انقلابی. با سازماندهی و وظایف گد گدیم - هر روز
 کرده. ما میفهمیم هسته ها خطا به بدست
 ما میفهمد که کارگران. شکل کمینه های
 انقلابی و اینها به شما است! ما نمیفهمیم هسته ها
 منطقی است کمینه های انقلابی ما کند. میفهمیم
 حوازم را با دست کم ما روزه است و بسیار گمیدار آن
 ما است. هستی آنها که هر چه است به انگشت شما ریزد.
 این هسته است که ما به ارتباط خود را با کارگران
 ما را در معنی به تنظیم کرده و کمینه های انقلابی را



بقیه از صفحه اول

دهند و سرکوب کنند و هنوز سرکارها نماند، همه به این خاطر بود که در مقابل عدالت طلب سوز و آوازی بوجم رهبری انقلاب و جنبش انقلابی نه در دستن طبقه کارگر بلکه در دست حربه سوز و آواها قرار داشت. به این خاطر بود که طبقه کارگر پسوان یک طبقه آگاه به مباحث مستقل طبقاتی خود پایه محکم انقلاب نگذاشته بود.

مسار برای استقلال ایندولوزیک - سیاسی طبقه کارگر، لامل از هر چیزی مسیرهای برای ایجاد حزب مستقل طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست است.

دوره پنهان ماندن پس از قیام تا عقد رتد پیوسته مارکسیسم انقلابی در مقابل امپریالیسم، افکار و سیاستها و شیوه های حربه سوز و آوازی جا کم بهر جنبش کمونیستی ایران بود و امروز با استناد به مباحث حزب کمونیست، مارکسیسم انقلابی در ایران و بر عهداران آن گروه نهوا. م. ک. دور نمای روشنی برای ایجاد حزب کمونیست ایران ترسیم کرده اند. ما این گفتگورا به "برنامه حزب کمونیست" و ادامه آن اخصا بر داده ایم.

کارگر کمونیست: "آیا سرت به ای که ما میروا همه حزب به نفی بود و ما زمان رسیده است به ستم به بر ما به ام. ک. محبوب فرودین ده پیشروانسی کرده است؟"

رفیق محبور: "مشیرا حاجی ما این قضی که اساس بر ما به تغییر کرده ما به حسو. اما این بر ما به مثل بر ما به ام. ک. یعنی است بر اولاً، اعلام بانی بندی جتن ناپید بر ما بر اول تا به ای و کلی مارکسیسم - لنینسم، تا سا بهر ستم یعنی ارسره های محرکه، محبور، اشتداف و دور نمای انقلاب ایران و تا سا و طاعت دوری ما در انقلاب حاضر. در این فریاد رسیده که وحشیگری

عقوانی میان بر ما به ام. ک. و بر ما به سرت وجود نه ارد. هر دو ستم، سه اعلام مواضع مارکسیسم انقلابی ایران در مقابل مسائل اصلی سوسیالیسم سازده طبقاتی و انقلابی است. در ستم اصولی بر ما به نشانها، اعلام، اسنادی و با تکمیلی به عمل آمده است. تا آنجا که به مسائل انقلاب و جنبش کمونیستی ایران موقوف میشود. بر ما به ام. ک. و "برنامه حزب کمونیست" هر دو بزرگ بیعتن واحد استوارند. بیعتن که امروز ما ستم مسود را در برابر نظریات رویزیونیستی و اپورتونیستی هوا داران راه رشد غیر سرما به داری، هوا داران رشد سرما به داری علمی و مستقل، هوا داران انقلاب سوسیالیستی بلا از نظر، و در برابر پیوسته های متفقد به "انقلاب دنگر انیک ما و طاعت سوسیالیستی و ما در واقع طرفه اراں جا بگویی انقلاب علمی بجای انقلاب پروانتری، کا بلا اشتیاب نموده است. بیعتن ما تا نظریه تمیز کرده این وظایف یک انقلاب دنگر انیک و طاعت انقلاب سوسیالیستی ارمکس و درک ضرورت مبارزه برای حرکت سوسیالیستی از انقلاب دنگر انیک به انقلاب سوسیالیستی از سوسیالیسم دنگر انیک

اما بر ما به حزب کمونیست ستم به بر ما به ام. ک. بر ما به ای صحیح تر. دنگر انیک ما به چاره ترواست. اس را خود ما به هر طرف بر ما به ام. ک. اعلام کردیم که بر ما به ام. ک. برای تبدیل شدن به طرح حزب شده کارگر بر ما به ستم کامل دارد. کسب بر ما به ام. ک. بر ما به ستم است که در ستم راه را بر ما به ستم. و ما ستم کردیم که خود ما به ستم گویند ستم مقابل ستم کامل بخشدن به ما بر ما به ستم. امروز ستم ارگان و ستم ما به ستم کمونیستی معیا ستم گفته ما و ستم ما برای اعلام طبقه ای که ستم خود فاشل بوجم را گواهی داده است.

مسئولان به بر ما به حزب کمونیست بیعتن



به بر نامه ا. م. ک. عمداً تهاوسه بازار : اول
مومستگوری روشن تر و فطیله ما لفته نری در دستورده
موفعت شوروی کمونی. بر نامه ا. م. ک. هوسک
قدس اعلام شوروی بعمدان بگ کثورا بر نامه بعت
تولفت کرده بوه. ما احیا بر نامه داری در شوروی را
اعلام کرده بود و بسو بسو شوروی هار د و گسسه
بدا بخلات شوروا - امیرالسنس را بجزد تا کسد
فرار داده بودیم. بر نامه ه. عرب بجهها ار شوروی
بعموان بگ کثورا بر نامه بعت نام بپسرده و اسس
افغانی برس و اعلو برس مومستگوری اسس برس
از کسو اجماعا ت شوروی افغانستانی در دستورده
بیرکی هار افغانستانی شوروی و بفا و بپای آن بسا
شور هائی که فرار داسه زدن و بجه بر نامه داری
ما هس امیرالسنس ما بجه ابره بر نامه های
که با بده منون قاطع برای عمل و انحصار
تا کسد باشد. ممکتی بیکد و در من خمال
عوده ازان دسه و کاسی که بمارت موسال
امیرالسنس را کسره اردوره اسفادات حسن
به شوروی هار و ت برده بده مشروطی و ان کسوار
کرده اند. بمارت کسد. ابن بگ بسل در
بر نامه بوه اسس. دوم در بوره خصوصاً اسفاد
ایران بر نامه ه. حزب ترح و مط ببت بگری دارد.
بر نامه ا. م. ک. بهورت برده و کونا بر خصوص
اعلی اسفاد ایران امکت گذاسه بود. و اسس
و بجه بر نامه ا. م. ک. در مقطع اسار ان بود.
اسی بانی او بر نامه بمارت بگردن بدون ساج و
برگ حودا و بمار امکا بوطر با ت روسی و سوسی
راس در ان و مان بود. امروز در ساطی کسد
آن حکم با های بر نامه ا. م. ک. بمار بعت

بده بر نامه. بعتی در شر ا بلس کلک اساره
ابن شوروی بگ سگورهای مسدهی بدست آورده ایم
آن سر دکی لروس بدارد. و لذا بر نامه ه. حزب
ممنواند علاوه بر نامه کسار حکم با های. بعتی
حایگا هسین کسده. ببری کار و ران طبفه
کارگور بعموان بعلت سخته اسفاد باری بجا. و برگ
و بجه دستگرا اسفاد ایران بجزد. بعی انکه این حکم
بعتی اسفاد ببول کسد. بجه بر نامه ه. حزب لاری و بجه
دیگر اسفاد بران سس ممکتی به اقدام و بشر با ت همان
بعتی ما بگسب افغانی اسفاد اسفاد بظرف با ت
بهور و ار اسس بهور با کسد در اسفاده مطراس
گه برای مثال بادر اسفاده بوزواری طلسی و
بهری. " دور باری فلاکت ... " و " کمونسها
و بعتی دهقاسی ... میان کرده ایم. ببتد ۱۴
بر نامه بجه : بس بکسد شده. بقت سسده و
بعتی برنده ای بسب بده بده ۱۴ بر نامه ا. م. ک.
اسس. اس بگ ابلاخ در بیان بر نامه اسس. اس
بگ بپشت بکت ایکار اس بده بر نامه ه. ما. سوم
اس. و بعتی باری طلسی - جمهوری افغانی
بوره بظرف اسس بده بر نامه ا. م. ک. بپسر کرده
است. از جمهوری افغانی. لامکرا بکت کارگران
و بعتی بکنان به جمهوری دنگرا بگ افغانی. اس
هم به اسفاد ما بگ بپشت ببت بمارت اسس.
در ان بکه بحتی بطقاسی جمهوری باید بر نامه
بعتی باید بگ بسب. ما اس بحتی را در بعت
۱۴ بر نامه ه. حزب اعلام کرده ایم. اما ما جمهوری
باید کونا و در سر کسده خصوصاً بگلسب رژیم
بسای کونا بده. جمهوری ما بدمان کسده
بساس بسای ما بجه بجه با بده بر نامه اسس

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



→

ملفاسی که اسامی جمهوری بر آنها مقرر است و نامها در عهد آنها است. تمام کتابها "دوما کنگ" ...
 لندن در ماه دیکم ۱۹۱۷ میلادی در مجلس - دنگراسک
 کارگران و دهقانان است. اما بر اساس سوسیال -
 دنگراسی روس در همان زمان یعنی تا انقلاب
 ۱۹۱۷ میلادی - جمهوری دنگراسک روس است.
 نام دنگراسی در وقت پروتستان و پروتستان و ...
 دنگراسی پروتستان - نگاشته شد. - جمهوری
 سوزا - نگاشته شد. دنگراسی در طبقات و اخبار در تمام
 جمهوری را می گویند که در سال ۱۹۱۷ که برای سرزمین
 با پروتستان بود. روس میگردانند. این اخبار را نام
 که این دو عهد - جمهوری انقلابی را بنا بر طبق دنگراسی
 نام جمهوری و جمهوری ملیتی جمهوری - تمام
 جمهوری را بنا بر طبق نام دنگراسی این است که
 ستم دنگراسی است. این دنگراسی است
 هر دنگراسی، بلکه دنگراسی انقلابی است. دنگراسی
 این واقعیت که طبق تاریخ و تاریخ شکل دهده و
 مدافع دنگراسی انقلابی در ایران امروز کارگران
 و دهقانان هستند در برنامها ما هر روز است
 با تکیه بر دنگراسی ملیتی سیاسی ما هر روز است
 اما حق آن در برنامها ما جمهوری است - جمهوری
 مورد نظر ما این یک دنگراسی انقلابی برای آنگ
 کشور است. برای هر شهروند آزاد و آزاد بخواند
 ما هر کارگران و دهقانان را میگردانند -
 جمهوری را میگردانند. ما را میگردانند و ایران
 بخوردگلی، روح کارگران، محققین علمی و فنی،
 پزشکان، هنرمندان کارمندان، دانشجویان،
 متعلمان، اهلشهای مذهبی، طبقاتی و ...
 بوده و هیچ مردم خواهان حادش مدافع اردو است
 و بطور کلی هر شهروند ایرانی را که میخواند
 زندگی و هدف در تمام معنای ستمی بر برنامها مدافع
 نامی است نه این جمهوری بر تمام - جمهوری
 که جمهوری کارگران و دهقانان میگویند.

جمهوری دنگراسی را مرکز آن در آن میباشند
 اما در این حال جمهوری که اسامی آزاد خود را در
 عنوانی برای بر خود را میباشند. طبقه کارگر در
 این جمهوری مستقرا و ملی سیاسی و فرهنگی برای
 تمام کسانی است که بخود خود را میگردانند -
 برنامها حزب یا این تغییر بر نام. یک گروه میگردانند
 ما را که میخواست توسط - مدافعها میگردانند
 هر دو روز و این مورد است اسطفا و در آن گشتند
 میخوانند و همه را میباشند - ما را میگردانند و
 میخوانند و این اخبار را میگردانند و اخبار
 جمهوری طبقه کارگر بر تمام و اخبار و همه مدافع
 حاد است موجود آورد. روشن میگردد این یک
 در برابر بخوانند - برنامها و اخبار - و اخبار
 چهارمین عصر میگردانند - اخبار ما را میگردانند
 جمهوری انقلابی است این اخبار ما را میگردانند
 حزب کمونیست و دنگراسی و ستم بر تمام
 در برنامها - ملیتی - ملیتی که در این
 مؤلفان و ملیتی که در این - ما را میگردانند
 مدافع هر ما طبقه و ملیتی که در این
 آنگ در اخبار و اخبار ما را میگردانند
 لایه بخوانند، مطرح شده بود. این اخبار
 لازم شده در برنامها - حزب دنگراسی است -
 در مورد ما را میگردانند و اخبار ما را میگردانند
 است - طبقه طبقاتی دنگراسی است - اخبار
 اخبار و جمهوری ما را میگردانند دنگراسی
 صنایع و واحدهای اقتصادی و کشاورزی
 کارگری بر تولید و توزیع و دنگراسی است - اخبار
 و اخبار خارجی. ما میگردانند - اخبار

برنامها است.
 افکار آن بنا بر طبق بخش در طول نگاشته
 گشته و در طی مراحل نظرفاشی در مورد ستم
 این اخبار ما را میگردانند - اخبار
 روس یعنی و اخبار ما را میگردانند - اخبار
 ستم



مطلق کمونیستی هست . برنا به کمونیستی حاصل
 ثخوری م. ل. ، تحلیل مشخص از شرایط مشخص و عزم
 جزمی برای ساختن حزب حول این برنا می‌است .
 بنا بر این دیدگاه‌ها می‌گفتند که معتقدند هیچکس حساب
 نه‌اربر برنا نه‌ای برای جنبش کمونیستی ایران
 بنویسد . مگر آنکه قبلاً نظر همه نیروها را جلب
 کرده باشد . سالها دود پراغ غورده و پله کسره
 باشد . و یا به اصطلاح "با عیش کارگری بیونسسه
 غورده باشد" ، بگردد انحرافی ، رویزیونیستی و
 اکوتومیستی است . رویزیونیستی است زیرا به
 میراث گذشته ، مارکسیسم و ابزارهای ثخوریست
 و تحلیلی شرایط مشخصی توجه است و می‌دهد
 احکام برنا به‌ای کمونیستها را در چشم بستن
 برنا به خود بخودی کارگری صحتگو نه‌ای لاشه
 بطور کلی انحرافی است . زیرا روشن شدن مبانی
 برنا به‌ای کمونیستها ، ایران را موقوف به مسائل
 می‌گردد و دور باطل در برابر کمونیستها قرار
 میدهد .
 برنا به
 کمونیستی
 جنبش کار
 می‌خواهد
 کمونیسم
 به‌دست
 انگلیس
 روس توسط
 در او
 سوسیال
 جنبش کار

بگمال قبل می‌توانیم اقدامات اتحادیه‌های
 را در خدمت تا معین و تعیین اهداف برنا به ، حداقل ،
 پیش‌بینی کنیم و لذا چنین کرده‌ایم . در برنا به
 حزب نیز همینان تا کیده شده است که این اقدامات
 اهداف دروغ ما نیستند ، بلکه ما می‌توانیم
 مواضعی حداقل ما هستند که بنویسد خود به
 می‌رود طبقاتی را مدنظر دارند .

ما بانی خلا و جانشی که در برنا به ، حزب نیست
 به برنا به ، ا. م. ک. ، وجود دارد . اصلاحات انشائی ،
 اطلاعات در فرمولبندی‌ها و یا اطلاعاتی است که
 به حکم نظریات موجود آمده در جامعه و در جنبش
 کمونیستی ضرورت پیدا کرده است . اینها نیز به
 نظر ما به سهم خود در زنده کردن و تقویت کردن
 برنا به موثر بوده‌اند .

البته ما در توضیح برنا به و طبقاً در توضیح
 تغییراتی که مورد سؤال شما بود ، به آنچه فوق
 گفته شده نمی‌توانیم و می‌گوئیم از طریق " بسوی
 سوسیالیسم" و یا جزواتی در تفصیل و توضیح
 برنا به ، نکات فوق را روشنتر و مفصل‌تر توضیح
 بدهیم .

س : با توجه به اینکه این حزب برنا به در ایران
 تکلیفی ندارد به چه دلیل برنا به
 اول برنا به ، ا. م. ک. ، خواهد بود و
 نوعی را بر پایه حزب کمونیست ؟

ج : قبل از هر چه
 چنین جا بگویی ،
 کمونیسم که در
 حزب کمونیست
 که واقعیت هستی
 لا اینست
 برنا به
 نمی

از جنبش است



عسری - برای نمونه از ماسهای "رزمندگان...
و "وحدت انقلابی" (بنکار راسمی گویم) - چون
تعیینوا هم در اینها هم حرکات پلیسی را در
مغایبه ما هم در بحث همه خانیه، پوپولیسیم بحث
کنیم [معمولاً سربزه های جریانات فریب و طولانی
پوپولیسیم] از او شکال گسندند و عقاب سینه
هند از های مار کمینست ها را به نبوت رسا میدهند،
هر را با مار کمینست امروز چشم به جریان طرفدار
بر ما به "حزب کمونیست" و خسته اند و آنچه "مبارزات
خود را در راه آفرمان مومنا لیسیم و بیرونی انقلاب
در پیوند با آن مسخ میکنند.

پس ما از رو بزنیم که "کاملری در ریسیم،
بیرونی وسیعی که بنوا بر برای تبدیل: این بر ما به
به بر ما به "یک حزب واقعی" گامهای عملی بردارد
تیره آمده است. قدمهای بعدی ما رو بزنیم و
مضمض فراتست. جوانی بسیاری رفع شده است
کمونیستهای بسیاری آفاده، مبارزات این
بزرگمانند و بالا گرفته - و این منطقه، حرکت آنسی ما
است - گام کمونیستی در حدیث کارگری الگوهای
نور انگیزی بدست داده است. همه آنها به اسس
عسری است که بر ما به "ا. م. ک. بر ما به "ا. م. ک.
بود و بر ما به "حزب کمونیست" تا بسنه، ما می است
که در او بر ما به "ا. م. ک. نمیتوانست بر ما به
حزب کمونیست، ما به بی آنکه به عسری بر ما به
کمونیست بر ما به بی آنکه حذف خود را به عسری بر ما به
آن زمان در شرایط کمونیست انجام دهد.

● م: چرا در حالتی که عسری در کار نیست نام
این بر ما به "بر ما به "حزب" است
به "بر ما به برای حزب" ما عسری
شعبه به این؟

ج: در باطن به مشوال اول به این ننگه انا را
کردم. داشتن بر ما به "حزب خود شرط لازم موجود
آوردن حزب است. اعلام این بر ما به معمولاً

"بر ما به "حزب کمونیست" بنا بر ایمان واضح
ما به عقابیت آن و عزم و اراده ما به مبارزه برای
ما عسری حزب حول این بر ما به است. بحث و تبادل
نظر مبارزانه و پویا برای بر ما به ما گسنداری
بر ما به انجام شد. روی ما بهای بر ما بهای یک به
یک بحث شد. همین نام "بر ما به برای عسری
کمونیست" هم مطرح شد. اینجا تفاوت عسری
سریک کلمه "برای" نیست. بر ما بهایی ما از
بر ما به و گامهای بعدی است. از "بر ما به بسیاری
حزب کمونیست" میتوانست چنین برداشت شود که
صورت بحث ما ما به یکی چنین بر ما به "و اما بر ما به
است. که مثلاً این صورتیک من "بر ما بهای
اظهار نظر دیگری است. نمیتوانست چنین برداشت
شود که حرکت آنتیمان همچنان اما "سنگی بر ما به
اندیشی و یک سر بر ما بهای بر ما به است. و عسری
مبارزانه چنین برداشت شود که گویا این بر ما به
"حزب" از طرف تشکیلات برای ارائه به گروههای
دیگر است و به بر ما به عمل قابل اتخاذ و تشکیلات
از هم کمون. ما برای عوایل عنوان "بر ما به
حزب کمونیست" معنی هر بخش را داده است. این
عنوان ما نگاه واقعی این بر ما به (همین آسرا
در بیشتر مبارزه برای حزب و برخورد به مسائل
جاری و موجود انقلاب از هم کمون، به عسری بر ما به
این بر ما به دیگر "پیشنها" نیست. این
بر ما به "ماست. این بر ما به اعلام میکنند که
هر ادا از آن از هم کمون با پدیده ما به "یک
جریان عسری در نظر گرفته نمود. یک فرقه ما می
- اندیشی و یک که به سمت شکل واحد مسعود.
● م: آیا از گروهها و سازمانهای دیگری هم برای
اظهار نظر و تصحیح بر ما به "دوباره" سرد
چه مراحلی طی شد تا این بر ما به

بلکه دعوت شده بودند. بر ما به واقع در توضیح
و تفای کوه نامه به بر ما به حاب بر ما به آمده است.
در همان ماههای اول سال به اتفاق افتاد



مستترده است

در کنگره دوم کومه له اولس ماسخ هر
براه تشکیل حزب کمونیست برپا شد
کمونیستی دگرگنده بود. احسان
سازران هر آموغج سبیل گزیدن
برپا شد. رابیک میروی سادی در
دستور قرار داده بود حال با موجدت
پهنه هفتای یکمال اخیر، منظور
تشکیل حزب دگرگول چه سائلی
است؟

ج: هدف مکتوبه کسما سازان این برپا شد
در واقع نقطه آمار ما در سواد سیر گامهای سخته
عملی در راه حزب است. عوامل مهم در رسیدن
این هدف اساساً اینها هستند: اول، پیروان
گشیدن میروی وسیع انقلابیون کمونیست از وظیفه
بزرگی فکری و عملی و اشغال و مشکل گزیدن
و متذکرین بخش با هم وسیعتری آراها بر سر
پروچم این برپا شد برای پیشبرد سائله
سلیبی. ترویجی و تشکیلی در درون جمعیت
کارگری، دوم، جلب بخش مؤثری از پهنه سازان
و رهبران عملی جمعیت کارگری به مبارزه و تشکیل
سازمانی تحت پرچم این برپا شد و پیروان
ظرفه آران. سبط نبود سبیل گزیدن برپا شد
چنین کارگری و در امر رهبری عملی سازان
کارگران. اینها وسیله ازین مؤثر است
سیکم، عمدتاً دگرگول را در مکتوبه اول

سائلی هر دیک سرق سس دوسا مان گرسه
هر دو در راه اولو دیک برپا شد کمونیست سترگ
نواغی رسیده. برپا شد. م. ک. که معنی قرار گرفت
و عتی سخته. اس. س. یعنی پیش نویس
اول برپا شد سترگ. در آما سماء ۶۶ در اختیار دو
سازمان و نیروهای معنی در جنبش کمونیستی
قرار گرفت و آرا آنها خوانده شد در آرا اظهار
نظر کند. گزیده بی گذرماً برپا شد در یافت
گردید تیار شد در سازمان پیکار. سازمان
رزم انقلابی را سها سازمان در سگان بصورت
حرمانت و غیر کمونیست سائلی مانده بود.
بعلاوه برپا شد در اختیار مکتوبه سائلی سخته از
سازمان وحدت انقلابی که در جریان پیشی به
ا. م. ک. کومه له بود سترگ گرفت اما در این
حال برپا شد بطور رهبری به دست عموم نیروهای
جمعیت چه رسیده. سطراب سها در سخته جمع آوری
شد. مکتوبه کمونیست سخته در جنبش ما مانده
حدیث آرا ستراب سطرخواهی گذاشته شده است.
رفقای ا. م. ک. کومه له در اظهار نظر سها در مجال
بوده سازمان پیکار رهبر لیل ماسخ کمونیست
ساده. سازمان رزم انقلابی سطرخواه سائلی داشت
و سخته سلی در سخته پیش نویس، طبعاً آرا و سها
دیدگاههای خود که آنگار با مانی شورویک
پیش نویس ما برپا شد. در سها. هر کمونیستها و
مخالف مختلف در سگان در معنی وحدت انقلابی
نیرو نظرات خود را در اختیار ما گذاشته. سازمان
کارگران ساروخی سها از نواغج اولی خود
را با کاره اجرا کرد. در پیش و سخته اس
سطراب سخته سخته کومه له. م. ک. موری و معنی
شد. بر سها. آن پیش نویس دوم که معنی سها
با معنی سها سها، سخته سها سها سخته
برای تعویب در اجتهاد و تشکیلات قرار گرفت.
مخالف سها در حزب کمونیست است که کمونیست

پیروزی انقلاب در گروه مبارزه
متحد و متشکل کارگران
است



میان نیروهای طرفدار سرسرا به حزب پیروزانند.
 این امر را که منظور عمل درما گنیک و سنگ گنیک
 سارما مدنی از این است، عمل از هر چیز میان کم و کنار
 ا. م. که پیروزانند، ما با بدستوا هم پیروزانند
 که حول سرسرا به گروه می آید و کمیته های کارخانه ای
 منطقه ای و محلی را می آید که بر اساس آن تشکیل
 می شود. به واسطه شیوه های مشترک کار محلی سگر
 گنیک. لاله ما به این شیوه ها متشکل و سرسرا
 نه و سرسرا به شکل دهه ای پیروزانند
 ما شد. علامه کنیم. تشکیل حزب کمونیست موز
 به کرد آمدن جمیع های او پیروزان و کمونیستی
 تنگی به شیوه های اصولی فعالیت عملی و ماحد
 بشود جمعی و نظری در پیشانی و پیشتر از دست
 کارگری است. ما را این تاریخ و سلسله دور
 نسیم و در هر زمانه و منطقه شروع و

پیشرای های اوله ای پیروزانند.

ج : اما گویند ا. م. که در این مورد هم
 توافق نداردند؟

ج : بله در این مورد توافق ندارند.
 از توافقی اصولی هم برانتر نداشتند پیروزانها ی محلی
 محضی را هم برای حل آگاهانه یک به یک ما تنگی
 کدیر سرور از حزب فرار دادند.

س : و ما و این کارها ی محلی پیشرای
 شده توضیح بیشتری بدهید.

ج : فصل او هر چه بود خواستار میزدگی
 گویند و ا. م. که در نا کسک و سنگ گا و سنگلای
 اعم از شیوه های سارما مدنی خودی و سارما مدنی
 خودی های تنگلاش هستیم. ما سارما

آنکه برای تشکیل حزب آمدند جزوری و ماحدی مکن.
 نیست که خود و هیچ کارگران از میان آمده است
 سرسرا و نیروهای طرفدار آن پیوسته با هم
 سارما مدنی پیشرای ما شد. عمل ا. م. که در
 و لاله اول جلب پیشروان در هر حال عملی جمعی
 کارگری اجماع کار ماحاد ا. م. که در
 حاس و عمیق کشیده است. علاوه بر ماحاد
 از سرسرا کسک ها و سارما مدنی کارگری
 پیروزانند. کشنده های کمونیستی در حاس
 کار ماحاد و سارما مدنی و پیروزانند
 تا کسکی و سارما مدنی، از طریق این کشنده های
 توسط سارما مدنی پیشانی و کسکی کارگری
 به سارما مدنی هدف ما در اول سال گذشته
 پیشروان این پیشرو خودی و فرار گویند
 موقعیت خودی و پیشرای جمعی از سارما
 کارگری ما شد. جمعی از اینها و سارما
 را به خود پیروزان خود جلب کرد، این
 کارگری را در غایت و سارما مدنی
 امروز تشکیل حزب کمونیست موز
 پیروزان و سارما مدنی به سارما مدنی
 از سوی دیگر، ما سارما مدنی پیشرای
 از سرسرا و سارما مدنی کرده است
 پیروزان اینها که سارما مدنی پیشرای
 پیروزان و سارما مدنی سارما مدنی
 اصلاحی و کرد آمدن سارما مدنی سارما مدنی
 پیروزان این شکل حسی خودی سارما مدنی
 ماحاد اعمال سارما مدنی پیروزانند
 حزب جزوری است. ما سارما مدنی سارما مدنی
 انشائی کردیم. حاسی ما کسکی و سارما مدنی
 سارما مدنی خودی و حسی اصولی و سارما مدنی

زنده باد سوسیالیسم!



کمیته‌ها و م. ک. موجود آمده‌اند. نیروهای
 طغیانگر سرانجام با ما پیوسته‌اند. این کمیته‌ها و
 جودان را سه سه‌سایه‌ها می‌نامند. این کمیته‌ها و
 نظریات آنها را می‌توانیم خود را در مقابل سران
 و درستی‌های فعالیت خود را در راه پیشرفت
 جاری و مبارزه در راه حزب روشن می‌کنیم. ۲-
 کمیته‌ها که می‌توانند شرایط خود را در برخورد
 سازمانی و سازمانی‌ها می‌توانند شرایط
 که این‌ها را در این سال با زمان وجود دارند
 احتمالاً در آینده بوجود خواهند آمد. محافل و
 شبکه‌های کارگری و محافل روشنفکران کمیته‌ها
 و غیره مشخص کرده‌اند. روح کلی حاکم بر این
 روابط بوجود آوردن زمینه‌ای برای فعالیت
 بعضی هر چه وسیع‌تری از نیروهای م. ک. در
 سطح کشور کارگری و کمونیستی. و دوس
 هر چه پیش‌تر از جانب آنان در این راه
 مبارزه است. کمیته‌ها در برخورد با
 کمیته‌ها می‌توانند فعالیت‌های سیاسی و
 آنها را به کمک فعالیت‌ها می‌توانند
 در این سال با این‌ها به آنها برخورد
 طبقاً برخورد می‌کنند و به شکل
 خاص خود را دارند. اما آنچه با
 در مورد فعالیت با این‌ها می‌تواند
 روسی از جانب کمیته‌ها بدون
 بودن. بعدی بودن. درگیر با این‌ها
 مبارزاتی، یعنی تبلیغ و ترویج و مبارزه
 بودن در صورتی است. شما پس از

معمولاً کارمندی را هم در اساطیر
 سرکارمان درگاه سران می‌تواند
 ما امروزه یک جریان واحد در جنبش
 طبقه کارگر و دولت برای نزدیک شدن
 عمل می‌تواند این از جانب خود را
 است. مانند: در برخورد با نیروهای
 کمونیستی. بخصوص در برخورد با نیروهای
 که طرفداری خود را از سران اعلام
 طرح و سران دارند که ما شما را
 اما می‌تواند.

اول: که می‌تواند در واقعیت
 توضیح بیشتر آن. با این‌ها
 احتمالاً احتمالاً نیروهای
 کردن نیروهای خود را که
 پیوسته در این‌ها با این‌ها
 پیوسته و احتمالاً دیگر در این
 بر این‌ها و دیگر نیروهای
 و بیشتر بر این‌ها در سطح
 برای فراهم کردن نیروها
 تشکیل عملی حزب.

دوم: طرح و پیکار برای
 نیروهای جدید در این
 ما می‌تواند در این
 بر این‌ها. یکی از این
 و جهت اصولی نیروها
 و کمونیستی در سطح کشور
 - می‌تواند این نیروها به
 است. در مقابل نیروها
 با نتواند با این‌ها
 توانا و توانمندی که
 شیوه برخورد ما روشن است. کمیته‌ها
 منظور تحت عنوان کمیته‌ها
 طرفداران بر این‌ها در سطح

"مبارزه" حزب کمونیست
 را بخوانید.



است. اما - مآله کفایت و اجابت خیر و برتری کسب
 مطرح نمود این خواستهای عدالت گمنامه از
 نیروهای طوفانها و مسائل سیاسی محروم گشته
 همگونی مذهب و اردو بی بدعت - مؤامنهایی
 روس، عثمانی، با دینگرگشتن شرایط سیاسی
 موجود و حدودا مکانات نیروها و مجالس است اما
 در این حال کمیته شایسته ترش میان مخالفین -
 خیل و آکادمیک روشنگری - با شیوه های بسیار
 قابل شده است - همانطور که کمیته ممالک کمیته
 نه کمیته مطای فعالیت نیروها - بلکه جهت گیری
 پیگیری و انفعال آنان در مواردی در حین
 امکانات خود است - در وقت فرسودگی است
 دست اندر نهادهای متعادل نه تنها چه - بعضی
 نیروهای که این خواستهای گمنامه را پیروید -
 است که کمیته همراهِ گمنامه دادند - تلاش گمنامه
 را برای منظم و توضیح میانی برنا معروض است
 و با شکوایی به استناد نظری - اما ملاحظه
 البته بر نظر از سازمانها و دولتی که
 گنوده و ا. م. گ. با مخالفی و مستند است انگسار
 برنا به در سطح چنین و چنان به پیش خراشید
 پس : اگر فرض کنیم که افواج و ششرا به
 رونق بر آید است - معنوا سید
 بهتری از آن نیروهای گمنامه در
 تشکیل حزب ملی شود آرا شده است ؟
 منظور این است که بر سر تشکیل حزب
 را چگونه میسرند و آن کمیته همراهِ گمنامه
 گمنامه در این مبارزات با بدینکه ؟

ج : لکن کمیته میانی از این بهر سبب - با
 بهر شکوایی گمنامه آن - روشن باشد - گردا گمنامه
 بخش گمنامه و سعی از نیروهای م. ل. بدور بر نامه
 تقویت کار نیروهای طرفدار بر نامه - سازمانهای
 سراسری تا کمیته های منطقه ای و همه های فاسدگی
 در حین کارگری - ممنوعیت درک این نیروها

از برنا معروض است و اینها را با همراهِ گمنامه
 سوره های مبارزاتی امولس و مشورک - ساعدی که
 در مدتی منوال کتب نیروهای طرفدار بر نامه
 اسامی و محرک قابل ملاحظه ای است با همه است
 کمیته های منطقه ای - اما کمیته های وابسته
 به ما را بهای سراسری و کمیته های مستقل
 طرفدار بر نامه - بخود آمده اند - کمیته گمنامه
 کارنامه به همه دادگاری را پیروید کمیته
 مسروان حوزه فعالیت خود - گنوده ای - موسی آن
 نظرمین مستواند کمیته ذوب آهن ا. م. گ. باشد -
 لائل در صباغ و مناطق گلپویی و پیروید بخود
 آمده اند - و برای برای فراخواندن نمایندگان
 این جریان حزبی فعال به کمک گمنامه مؤسسه
 مقدماشی معارض است - گلپویی حزب - ارفا جوان
 آن - اما سید آن - ساسی تا کمیته نظرس - آن
 کمیته های رسمی منطقه ای آن و سید - باشد در
 چنین گمنامه ای روشن شود -
 کمیته همراهِ گمنامه در مطلع ها به سراسر
 وظایف و اهداف قطعی و مشخص تشکیل شده است -
 این کمیته فعلا در گام اول نیروهای مدبه طرفدار
 بر نامه را جمع و جوهر می کند - نیروهای افولگی و
 عزیز فعالیت را طرح میکنند و اما آرا از جانب
 نیروهای مختلف از سیاسی می کند -
 نیروهای موجود را می شناسد و به یکدیگر می شناسد
 و مبارزات آنها را همراهِ گمنامه - اما آن کمیته
 میتواند و توانا بدینکار با بدین توانا و دستاورد های
 آن کمیته فراخوانده و سازمانها به همه گمنامه
 مقدماشی با مؤسسه بخود است - مالطیح سراسر
 برداشتن گامهای اول خود برنا از سر حرکت رو به
 خواهد شد - در این مطلع میگویند و واقعیتی
 حرکت کنیم و این احتمال را در نظر داشته باشیم
 بقول شما افواج رونق بر آید پس برود و
 پیش بینی شده ای را طی کند -





● **س:** با توجه به تأخیر که در کور چنانچه
 بودن این سروهای طرفدار بر ما
 گذاشته. آیا این اجمال وجود دارد که
 سروهای تباری نه کثرت و نه کمبود
 خود که در این حال اسفادای سر بر ما
 داشته و خواهان اطلاع آن باشد؟

ج: بدیهی است که طرف به رسمیت شناخته شدن هر
 کس به عنوان طرفدار بر ما نه صرفاً کمبود است
 پذیرش این بر ما به ارجح است. اما ما بطرفی
 ضعیف از این پذیرش به ابریم. پذیرش بر ما به
 مجموع و کلیت آن، در بردها و احکام ما است. آن و
 همه بطور پذیرش بر ما به عنوان یک بر ما به
 یعنی بر ما می که در طرف تأیید و آزادی تشکیل
 شود. اینها قطعاً ضروری است. اما لازم نیست که همه
 یک تنگ بیا رات و کلیت بر ما به راه پیدا کند. پس
 وجود آنها با ما و اسفادای در احوال سروهای
 ما در طرفدار بر ما به صرف می پذیریم. می گوئیم به
 این احوال ما و اسفادای ما به سطح بگوئیم. و اگر
 موفق نشویم، قطعاً همان مرجعی که در مجلس شورای
 حزب را پایه گذاری خواهد کرد. برای مثال همان
 کنگره مؤسسه، تکلیف خواهد داد. اسفادای و
 تکلیف آنها بر ما به را روشن خواهد کرد. از این
 گذشته حتی بر ما به رسمی احوال هم در طول زمان
 مشمول حکم و اصلاح می شود. این خبر را می بینید.
 اما روشن است که این آنها ما به و اسفادای
 ما به چنان یا نه که اولاً نفس پذیرش بر ما به
 جانب مستفاد را در بر ما به بود. کسی نمی تواند
 خود را طرفدار بر ما به بدارد. اما مثلاً بعضیها
 که هدف ما در این اسفادای است. از طرف بر ما به
 مستقل و ما را بر ما به بر ما به داری است. کسی
 نمی تواند خود را طرفدار بر ما به بدارد. اما
 ما به که ضروری است. کسی است. یا مثلاً
 حکومت اسفادای یعنی بر ما به را نشان خواهد داد. ما

حداً ما به از دولت ضروری نیست و غیره. نفس
 اینکه اسفادای احتمالی این با آن سروها
 حداً ما است. یکی از طرف است که
 گنده و قطعاً یکی از طرف است که
 ما به بر سروهای است که این بر ما به
 به طرف اسفادای را بطور همه ما به ما می کند.
 خود را اسفادای را ما به بر ما به
 نامنه آن برای همه کسانی که چشم بر ما به
 حزب گویست. دوخته است. روشن کرد.

اما ما به که ما به ضروری است. بر ما به
 از آن جهت است که بعضی در طرف کمونیست
 ما گرفتاری آنکه بعضی وسیع در جنبش کمونیست
 در بر ما به. ما قبل و در ما به ما به
 که چه به دلیل گذشته ما می ما به خودی -
 بعضی گنده خود را بر ما به و چه به دلیل آنکه
 آنکه در جنبش کمونیست "بعضی برای ما به
 وظیفه و فلسفه خود را در طرف ما به
 ایندولوزیک "ما خود دیگران شریف گردانند. ما
 ما به بر ما به. ما قبل که ما به
 ما اعلام میکنیم که به ما به ایندولوزیک "ما
 ایندولوزیک "خلافه ای نداریم. ما گمانی ما به
 وجدل فکری هستیم که ما به عنوان مخالفین فعال بر ما به
 در سطح جسمی به ما می یعنی بر ما به
 ما و گسیب افغانی بدل شده است. ما به
 طرفداران **مسار** بر ما به ما به بر ما به
 و فلسفه وجودی ما را کار میبینی. از وجهی و تشکیل
 در درون طبقه کارگر و هستی کارگری می دانند و در
 این اسفادای اسفادای سر بر ما به
 بر ما به است. "بر ما به کمونیست" ما به
 که به هوا م. کمونیست، بلکه به همه کسانی
 دارندگان را می پذیرند و برای همه آن. برای
 به دلیل آن به بر ما به طبقه کارگر می گویند
 طبقه به و بدل بر ما به این بر ما به



آنجا به شما امین عمل. بلکه مووری احسان -
با بدیونما رسد است .

اگر سرروهای بیرونی مجموع کلت و آسان
این سروما مفرادیدر همه ماسد ، اگر براسی نفس پرجم
تکلیف و شریف آن ماسد ، اگر براسی نفس پرجم
این سروما مفرادیدر همه ماسد ، اگر براسی نفس پرجم
آورد ، انگاه هیچ تفاوتی میان آنها زگوه لسه
و ا . م . ک وجود نخواهد داشت . این پرنامه سروما
همه آنها خواهد بود زیرا روزه برای اطلاع آن عو همه
آنهاست . گوجه له و ا . م . که دستاوردغات ناگوشی
مارگتسم انقلابی ایران را حتمیت کرده اند ،
به آن در فالت یک پرنامه محکم بنشیند ،
دورنمای کاروانا مود ز پایداری و پیش گرده آید ، خود
به ا . م . این راه گمراه کننده اند ، اما بگذریم .
این جریان مارگتسم انقلابی بطور کلی
شرعی و دینی دیگری که لسان السیرت است هر
که محکم بنیام . هر که بنگم سروما بدارتوانست ،
این سروما مفرادیدر همه ماسد ، اگر براسی نفس پرجم
آید ، راهی گم کند ، ما سرحد را آن آمده مارگتسم
انقلابی را از پیش محسوس نگردانیم ، بی خواشور
سروما صحیح حسن کسم ، اعلام سروما به به -
" سرمایه عزیز کمونیست " و نه " سرمایه مضمحل
گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
است . در زمین ایگه ، خود ما هر دو مضمحل کسم
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و

فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و
فلسفیان بی گوجه له و ا . م . ک . گواا سرجمود غیر بگذا رینسی و

ج : بلکه مبادا راهتسم . اما ساخت گوسی سار
سروماهای موجود برای عین زمان حتی غیرینی

ا - گمراه مؤسسان که بی مسمد اندر مسلم تکمیل خرد -
ا بر سرین است . احمد اصولی آن سوی طغیانه
کارگر ساری به ما گفته دارد . سلاوه . تکمیل خرد -
ا سرور و نظریات کمونی . نظریات کمونی به ما راهی
چنین انقلابی در مرحله کمونی ، نظریات کمونی
السرما سوسی در مقابل حکومت و سنا ا لسرما سوسی
های شورروای و خرد شورروای . و نظریات سوسی
ر حری سرولتا را در حین انقلابی اهمیت خاصی
نامه است . سروما سوسی گمراه کننده است .
حدا حساب ما در سروما سوسی گمراه کننده .
ما بد برای مخرج این سروما سوسی حرکت در آید
و اما کسی که امروز سار و عمل تکمیل یک صورت
مسئله برولتری و امکاناتی که برای آن موجود است
است . ادراک نمی کند . از انقلاب هیچ شایسته
است .

ب : مآله ای که جنماً برای بعضی بی پاسخ
است . اینست که راه طغیانه و بیوسد این حسی
کمونیستی و این جریان حسی با طغیانه
مخالف است . آیا اگر این سروما گمراه کننده
و آرایش حوس خود بگمراهی دارند ما
خود را حزب بگذا رند ؟

ج : لگرمی گم لعلاً نظر سنا ما این بی مسم داده .
گمراه مؤسسان با مقدماتی بی تواند گمراه ای و اعدا
حوس باشد ، بی آنکه سنا مدین معینی ارضین
کا و گوی ، یعنی سنا روسی سخن آن را در سراط
کمونی ، اراغی مدگی کند ، گوجه له و ا . م . ک . گواا
هما شک گمراه و طغیانه اصلی خود را سوسی دادن سروما
به معنی حسی ، کارگری می دانند و هما طور که گمراه
ارسطه تروج مناسب دستاورد های اوله و سنا
انگاسی در این رسنه سرخورد ارم . اما مجدداً
تأکید می کنم که نمی توان ابتدا بطور ضمنی به یک
حرب طغیانی تا خود تبدیل خود پس حرب را تکمیل
داد . این یک روشی است که سوسی احدها را پیش
←



جرمي بخود گرفتري، نه تنها بيگ جرم بمنتظ، معال
 ويا بر ما به وسا گنگ و نيوه هاي اموالي ما - سراج
 خستگي گارگري و رفتن اينها همه شرط آن نبودند
 نميشد، است که هر جرم کومونيست واقعي همان سار
 دارد. همچ جرم کومونيستي ار همان دور کجکل در
 ندرت صدمت بر سر ماليت خود ميست. انگريکا رگگريان
 و اما خود در اورد. جرم کومونيست بر سر ميرد و بگنگم
 خود را دارد. سوالي که بطوري ما است اينست که
 آيا ما در جرم بختن مرتب معالو بر ما به ما ايستاي
 در آينه جز بيگ. در صورت موندت گنگمه شافنگ
 گنگمه گنگمه خود. که در و طاقني که بر ستمند
 گزفته اند در مورتي که بخوايم مومنا ب ممتنا
 ممتنا ب ممتنا ب گنگمونيستي پس از اينکه بر ما به جرم
 کومونيست و اهميت خود را که ما مانده است بر ازي رقتاي
 خود و سب و طاري طرفدار سرمايه جرم بطور گنگي به در ستم
 روسي گنگم. در صورت جفني شده است. اگر سواد
 اوليه و نمايط لازم براي منگل تک گنگره مدد
 ما سي يا مومني روسي بر خورد را در خواص بود يا خير؟
 بطورين با صبح ممتنا است. آمده است را نشان
 خواهد داد.

اما بر ما را اينکه آيا اگر رفتن سب و طاري
 موجود هم گنگم گرفتري بدهد و عدت گنگم ميروا است تمام
 جرم بر خوردنگدا رديا به بطورين است که آري. هر
 کسي مي تواند گره آيد و ما جرم بر خوردنگدارد. اما
 در ضمن مورتي اين جرم بديگري خواهد بود. جرمي
 صميم. دهها رتاعا ماب و عطفه صف هاي ستم
 گنگمه ما آمده هاي سهم. دور خط خنر تا کنگي
 و سنگلاني روش و ما جاوار رده و بگنگم خود. طبعاً
 ما اين را همي خواهيم.

● س : ما ميروند است که ما به کردستان انقلابيت
 جرم و هاي ستمگر کرده و شديده آبه بر ما به
 رفتي که هر ما جرمي بر سر گنگمه
 است يا به است. آيا بگگري گنگمه گنگمه

سروهاي ديگري هم در زمان اين بر ستم
 انقلابي ما اين جرم را بر عدله گنگمه
 ستم بر ما بر خورد و صحيح يا اين سب و طاري
 هيئت آنگي ما پديا است که ما را نشان
 و ترميمي گنگمه

● س : البته چنين جرم و اي ممتونه است. کلاً است
 جرمه است. بر ما بر ما بگگرا ما به وسا برده اي گنگمه
 است. بر ما به جرم کومونيست را با ما گنگمه و ما
 است. ممتونا ب جرمه و ما است. بر ما اين ستمگي
 است. اول اينکه اين در زمان ملامت است. سار سرمايه
 جرم کومونيست را با ما است. هر ادرست جفني برده است.
 بر ما ستمگر گارگري بگنگمه است. و هوم
 است. بر ما به اينکه بر ما به مورتي را کوموني است
 ستمگي مي داند. اين دو گنگمه بطورين است. سار
 انگريکا و ما جرمه است. گنگمونيستي او بر ستم
 ستمگي. سار بر داري و ستمگر بگنگم احكام به
 انقلاب خنر بگگري ستمگي ما موندت مانده است. سار
 و ممتونه است. است. هکلامي که لا اقل ۲ سال ارتطخ
 ستمگر ممتني ستمگي ما موندت است. او بر ستمگي
 ستمگي ما ستمگي است که در جرمه بطورين مانده است. هر
 هاي اول بر ما ستمگي ممتونه است. سار داده
 است. است. است. ستمگي ما ستمگي را ممتونا مانده است
 به خود ستمگي و ستمگر بگنگم و ممتونه است. بطور گنگي و
 سي بوعضي است. به واقعات بر ما ممتونه است. سار
 - ما گنگمه است. ستمگي است. احكام ما سار ستمگي
 گنگمه است. و بگنگمه است که ما ستمگي است. گنگمه است
 خود ما ما انقلاب ممتونه است. سار گنگمه

در مورد است. بر ما اول. ممتونه است. داده است.
 که ممتونه است. سوي جرم ستمگي ستمگي است. سار
 بوزور و اري را انگريکا بر گنگمه است. سار
 و است. ستمگي است. گنگمه است. سار
 است. ستمگي است. ستمگي است. سار
 است. ستمگي است. ستمگي است. سار



چشم

اگر بگویم منی "بیمه‌ها شش‌مصل ارداسن برناه
 می‌شود. اما اصراً من دوم، یعنی معاً له - ضروری
 برایشی گره‌گور سرپوشه‌ها بی‌است. قطعاً به‌ای
 آخرین گنگر او همین رفقا، گویند له، بیگنا روسا را
 اصولاً خارج از صفتش گمروستی اروپایی می‌کنند.
 چرا؟ چون هر یک او را به‌جانی ضروری را امیرالیمت
 دانسته‌ایم! معاً له ضروری معاً له روسا لیمسی
 دانستن ضروری برای هدای می به‌ملاک گمروسیست
 بودن شش‌مصل شده‌است. بی‌شک ما هم این دیدگاه
 ساکنی می‌خواهد ما قی معاً له و سرگردان چوانان
 حرب نژده‌ها می‌کنند. بی‌شک ما هم حراً قلبیست از
 سرپوشه اکثریت و موقعیت وقت با گمروسی در می
 نمی‌گیرد. به‌رحال تا به‌پهلوان و روح کلی پر مغز
 اقلیت به‌ما، در لطفاً به‌ما و در خروجاً غیر از همین
 علامه‌گرده که هم‌قانی که تمام این گمروسیست بی‌شکل، تمام
 دور خاستن از ضروری روحی لطیف، به‌استقرار
 یک دولت‌مندان بیگانی به‌سیک‌کوسا در ایران علامه
 می‌شود، آن حراً سانی را که حواساً بر ما زده‌ها بگم
 برای موسی لیم و انترناسیونالیم به‌سیک‌کوسا
 انگلی، انجین و ما بی‌صفت گمروسیست است، اصولاً
 گمروسیست نمی‌داند و به‌استقرار برنا معاً له
 گمروسیست، از حراً سانی انحصراً دارد!
 ما کلاً مطمئنیم که نیروهای دیگری در
 دریا بزرگسوز چیه به‌سرنا به‌عرب و سنبروهای طرفه‌از
 آن استقلالخواه‌اند کرد. اگر فدائی، با صفت‌های
 ویژه‌اش، ضرور موثر بر نامه‌ها تنگ شده‌ها خواهد بود
 می‌کند - و ما معاً را از این معاً له خوشودیم - این
 گویا می‌تواند بود و به‌هدف رفتن سوسا به‌است -
 سر مغز و صمیم به‌استکوره استقلال قطعاً

با همگویی همه‌جانبه به‌انگیزت. با همگویی به‌صغرای
 استقلال آمان، و برآیندهای وطن و استقلال
 گمروسیست در این حراً من معتمد. روشن
 کردن ما بگناه، عملت طبقاتی و انگیزه‌های واقعی
 این استقلال‌ها، با هم‌ها پیدا می‌شود. قطعاً همه
 سلف‌بین‌کسی توان تا به‌اخرا افواج کرد. با پیشرفت
 خود را در سازه‌ها بدین‌نژادیک با ملاک منطق مقدمات
 تشکیل حرب می‌حجم، طروحاتی که قطعاً به‌است
 انا ره‌گردیم، در گمروسیست لیم و پهلوانی سوسا لیم
 خود به‌سوز و آبی تا وقتی خرد به‌سوز و آبی هست
 همان خون‌ها که می‌دهد. طبقات را نشناختن
 همه‌جا به‌ما زده‌ها طبقاتی می‌شود "افواج" کرد.
 معاً زده‌ها بدین‌نژادیک ما به‌هدف خود را به‌افواج همه
 بدین‌نژادیک، بلکه بی‌شک و گسترش این معاً زده‌ها طبقاتی
 و آموختن و پیشرونی پرولتاریا را در این معاً زده‌ها،
 ● س: و با لاهر معاً له؟ و بی‌شک و آرد
 این سوال به‌استیم که معاً له با قی
 معاً له سازه‌های که برای اهداف
 واحد است معاً له می‌دهد، هر عمل هم‌تصیر
 می‌کند. این دوسو نماز به‌زمان وطن سواطلی
 دارد، هم‌مورد گویند له و ا. م. ک. روشن است که هر دو
 تنگ‌نات دور سانی وحدت را (و انهم به‌لفظ وحدت
 ←

پیر و زباد جنبش مقاومت خلق کرد!



نقشه اول

اسماط عربی را به سقییه منگیم .

با دیده رمای قدیم توضیح دهیم که طیفه
کارگزاران مومنانی بسیار است دیده است و مثلاً
سها حربه های شنگلانی بلغمه دیده که در مسازوه
عملی بگارش می آیدها ن شنگلیا ، محاسن و
رومی است که آنها را در برده و با و مان منسیم
بگیرند ، امروز بلااستفا ده گذاش این شنگلیا .
معاقل و در این بیرونترین لایه به طیفه کارگر
وسها بیست لایه ای به صورت انقلاب است .

خروج - ۵

راندیسو "صدای انقلاب ایران" کار
خود را آغاز کرده است .

به برنا نه های "صدای انقلاب ایران" گوش
کنید و دیگران را خوبترین آن تشویق نماید ؟
" راندیسو صدای انقلاب ایران " برنا نه های
خود را هرند تا ۵ تا ۹ برنا نه گری و از ۹
تا ۹/۵ برنا نه فارسی روی امواج کوتاه در سیف
۲۱ متر برابریا ۷/۳ مگا هرتز و ۶۹ متری برنا
۶/۲ مگا هرتز می کند . این برنا نه های
تا مگا می این را دیور و بعد از ۷ تا ۷ مگا هرتز
سگرا می شود .

اخبار کارگزارها . مقالات و نامه های خود
را برای "صدای انقلاب ایران" بفرستید و مکتوبید
با صدای بیرونی برای آگاهان و از این طریق سراسری
که در سراسر انقلاب است و به سواست با بسیاری و
بنوعی غلظت سحرگان شهرمان کوه لایه در
گردشمان آزادسگرا خود را با مکتوبه سراسری پیش
به گوش کارگران و رجمکان و همه مردم رساند
ایران به

دوسا مان ا در دل یک حربه ای بیست روی خود
گذاشته اند . این وحشی عالی تر و گام تراز و عدت
دوسا مان است . طرح مدارک حرب دقیقاً با کسر
این وحش ظنی ما و سراسر ما برای ارمیان
بردن آن عداش و سرفه و مشرف ما رگست عدای
انقلابی است که هر وقت خود را دست داده است . ما
هر چه وحش کوبیده و او را از رپو به مدارک
حرب بطور کلی عدای ما منیم . وحش ما عدای
دسا و ردی است که رما را در سترگ مان برای حرب
سوقه داریم . بعضی این که یک جز اساسی طرح سدا و
حرب دشمنی به سها س ناگتکی و شنگلانی امولی
ما رگستنی است . بهر حال بی وحش دوسا مان
خوبه دوریت منک نیست و احتیاج به فرا هم کردن
ملرومان عدای دارد .

اما وقتی با را رمد و ده کوه له او را برگ
فرارسی گذاریم ، ستواری این وحش دوری را به
کمان می منسیم . طرفداران "دیگر برنا نه مسوز
سرای ما از سترگ سها نه ده سیف یک کار ظنی
کمیسه عمیق کند . همین سها مان و انجمن
سروها و ما را سها در اسفا و سقییه به یکدیگر است .
انچه گفتیم ، ستواری امروز عدت و ادعای
شنگلانی دوری سترهای طرفدار سراسر مدحرب است .
اما در عمل سها بطوریکه اسفا دکمه میسر آن است ،
و سح سوس اسفا در عمل و هم سوس سروهای طرفدار
برنا نه حرب را هم اکتوی منکی و سروری است .

" برنا نه حزب کمونیست " را بخواهید .



بهر نقای کمیته ذوب آهن

دانش!

در اوج عقلان و باور و بصورتی در مسأله و معضله
ارواحی ای می شود که در آن حکومت و حوت الله
در کس و کم و سینه ها و جف سیم پیوسته کا و گستران
در سری دیگر هر از آینه ای ... به این خاطر است
که سخن به ارزش شما بر همه برای بوده است

کا و گران ایران ما حیوان برای اولیستی
حواله، تسلیم رضوان ما و نگارنده تحمیل
میباشد که "حرب الله می سرود حواله را بگیرد"
اگر در ذوب آهن طیبره تلاش ما ملان رزینکا و گران
اگا ها ما در نگار و چنین شما را شای استیام میکنه
و سرشتا به برنگر ارشاد و "کا و گران میوه" باوش
همی به برده" با یی می نشاند، موفقیستی است آتسه
بی بر دیده حاصل مرارت ها و کار اگا هرگاه اولاسی
و بیگنر شما برده است

با خوب میباشیم که تمنا اهمیت بسیار را
کا و گران ذوب آهن و ضرورت به پیروی آن - بخش
و زمانت کمیته ذوب آهن و ضرورت خلق و نظریات
آن را درک می کنید. میباشیم که خود را بسیرای
آینه های نشوا رنما ند کرده اید و در آینه میسر
اداره کاری مبارزه را بصورتی امرلی تحمیل
غراهیه نمود و درسی او نشو بختی کار به بیگنر
کمتر بسنی راه همه کمیته شما خواهیست داد...
برایمان آرزوی موفقیت داریم.

سلامهای گرم ما را به کا و گران مبارز و فدایان
ذوب آهن و بولاد شیر بر ما مید و معما نه تریستی
درودها یمان را به پذیرید.

آنچه در ذوب آهن گذشت نمایان فرود آمد
دیگری بود از مردم و اراده طیفه ای که در مبارزه است
صاح حیدر: دست سینه هم مگر به جزای مرد گستران
ر اس و همسایه شیم وسطا هر است به شکوه
کا و گران ذوب آهن در حدیثا کا و گران امامانی
پولاد میس ما می استانی می افتد که بسیاری از
استقامت و پیروی میدان را ترک کرده است.
عده ای ما را در آنها بکل را بکل میورده اند. برهمنی
با سوز و جفا با دشمنان روی آورده اند و بعضی
در ما به رحل صائل نمازده، خانه شخصی را
ترمیم داده اند...

تا به بعضی دلیل آنرا مان که در هر ارتضو
کا و گران ذوب آهن در عودت استعجاب فریاد منی رد
"مولادینور برنگار - شرور برنگار" آنچه در گوش
مرد استعجاب و بریندا در ایران طیبی انداخته
بود این بود که ما را! امنیت بصورتی لایزال
و شکست ناپذیر است!

برای من برهمنی و نظری که بدنیال انتشار
شیر خرد که کا و گران ذوب آهن در چهره ما استندار
سندیدگان و هر زمان میباشیم سینه است شما
ما در ساختن ریخات بافتن چهار هزار کارگر از
احرام و سیکاری بوده است.

و کمیته که در این میان بنوا بدلتش شما را
با دیده میگرد جمهوری اسلامی ما همتا است که در
سلب با خود کار ما علاج "گروهکها" را نسام
نده اعلام کرده است. حال اگر مصور شده است که
اعلامیه شما را روی برده سلویزیون ستان دهد و
انتشار کند که اس کمیته شما بوده که نگذاشتند
کا و گران حرف ما را قبول کند. اگر ما م جماعت

کمیته مرکزی اتحادیه کارگران کمونیست

مرداد ۱۳۶۱

به اعضا، وابستگان تشکیلاتی و هواداران ک.م.ا

"برنامه حزب کمونیست" را تسلیم میکنند و همه نیروهای کمونیست را به گرد آمدن حول "برنامه حزب" فرا میخوانیم. بدون آنکه بر این واقعیت که "برنامه حزب کمونیست" هم اکنون برنامه ما و مبنای پراتیک ما است تأیید میکنند. شود.

علاوه بر این، با توجه به اینکه ما و کومه فلسفه یک جریان واحد حزبی را تشکیل میدهم و هر دو امیدواریم که در آینده ای نه چندان دور به کمک سایر نیروهای فعال و مبارز طرفدار برنامه حزب، سازمان واحد کمونیستی یعنی حزب کمونیست را بسازانیم. لازم است که حوزه های مجلسی، فابریکی و صنعتی ای ما با ارگانه های تشکیلاتی و رفقای وابسته به کومه، در رابطه با فعالیتشان نزدیک ترین رابطه را برقرار کرده و جدا عملی همکاری امری و رفیقان را در مبارزه عملی سازمان دهند و بحث های مربوط به فعالیت های احتمالی در سبک کار و تشکیک ها را در جزئی عملی از روح نظام و زمانه کمونیستی به سرانجام برسانند.

کمیته مرکزی ۶/۱/۶۱

یک سال و نیم پس از انتشار برنامه ک.م.ا. ک. این برنامه به بهیچ وجه پوفدورت ترین جریان کمونیستی ایران تبدیل نگشته است و در طی همین دوره تغییر شده و تکامل یافته است. این متن تصحیح شده و تکامل یافته، همان برنامه مشترک است که در اردیبهشت ماه امسال به صورتی گسترده، سوم تا زمان انقلابی زمینگشان کردستان ایران، و "اتحاد مبارزان کمونیست" رسیده و با نام "برنامه حزب کمونیست" منتشر شده است.

اینکه "مبارزان انقلابی زمینگشان ایران (کومه فلسفه)" و "اتحاد مبارزان کمونیست" در تشکیلات دولتی جریان واحد حزبی محسوب میشوند که آرمانها و اهداف مشترکی دارند و برنامه حزب کمونیست، برنامه هر دو است. از این پس برنامه ما، "برنامه حزب کمونیست" است. این نگاه با بدتر کلیه، منطقی که از سوی ارگانه های تشکیلاتی ما منتشر میشود و در عملیقا سازمان اعماد کمپی و تبلیغاتی مدتهاست شده، و شکات و شبهه برانی که در برنامه جدید وارد شده است، مدنظر قرار گرفته اند. از این پس مسأله

کارگر کمونیست را بدست کارگران
برسانید.

اتحاد مبارزان کمونیست
بد کمکهای مالی شما
تایز میندازد.



بقیه پیام کمینه کمونیست ...

سی عمومی سیاسی مطلق بوده و از مرکز بود و اختیاری و روحی از مرکز بود. و سازمانی اقتصادی که بدونش بوده و برای وسیع کار فرودر جنگس کمونیستک، خواست بر سرگونی حکومت زانه جنگ خواست عمومی بدل نموده است کارگران و رنجگهان از سرور و محاسن - جوانها از سرگونی اند سرانگه خواستند و با هم ملاقات کردند و سروری بود روزم راه بر سر کسود و در دستهای سیاسی را سه از گساخته و انقلاب خود سپاریدند.

بموقعه این شرایط، سازماندهی کمونیست در جهت - صی و تنظیم سرمایه سرمایه‌های، سیاسی و جنگیانی پرولتری در خارج و داخل و با یک سرور و قابل مانگینی بدل ساخته است. بدون مانگونی نه این سرور و، هرگونه تلاش و کوشش برای حفظ و نگه داشتن سازمانها و اختیاری حاکم، سازماندهی هرگونه مقاومت بوده‌ای در مقابل پرولس و حسابانه رژیم و با لاف و دروغ‌ها بل این سرها سلیسیم و رکود غالب بر جنبش کارگری و پیش‌اندن آن در جهت سرمایه‌های عمومی انقلابی و استعرا از همه سروری دیگران تک انقلابی، قسم و بی‌شخصه با هم خواهد ماند. مارگسیسم انقلابی در بر خود مانع از این مسائل و سوای اینجای نفس تعیین کننده‌ای که است گسود و جنبش انقلابی و جنبش کارگری و کمونیستی با فساد است، و طبعه و اردن تا تمام نیروی خود را در جهت سازماندهی اردوگاه دیکراسی انقلابی تحت پرچم دیگران سیم پرولتری و تبدیل آن به سرمایه سرمایه‌های عمومی از مقابل جمهوری انقلابی و سیاسی از پرولتریون پرولترانی و خرده بورژوازی آن نگار

کسود

بدون شک کنگره سوم کومکله، به عنوان عمده ترین سازمانی که مارگسیسم انقلابی را در ایران سازماندهی میکند. تا شیو تعیین کننده‌ای پرولتری جنبش کارگری و کمونیستی در ایران و در تعیین جنبش کمونیستی در پارتی و بخشهای سیاسی و طبعه قابل خواهد داشت. تعیین برنامه‌ای که یکسید و دستاورد های مبارزه مارگسیسم انقلابی بر علیه اشرفیات خرده بورژوازی را بیخ در جنبش کمونیستی است. سرافراشتن پرچم آن در سطح جنبش کارگری و کمونیستی و بکارگرفتن آن به معنای استوارانی در سازماندهی هر چه تا همه در جهت وحدت جنبش کمونیستی جنبش عمومی از رهبران جنبش کارگری و کارگران مبارزه سازماندهی استقامت و پرچم حرمی، ایجاد هدف مستقل پرولترانی انقلابی، سازماندهی و رهبری اردوگاه دیکراسی انقلابی در سازماندهی برای سرگونی جمهوری انقلابی و تحقق همه سروری انقلابی، از این آید و در سازماندهی استوارانه اردو در سازماندهی انقلابی و کارگرفته است و کنگره سوم نیز سازماندهی در سطح سازماندهی و مارگسیسم انقلابی در ایران بطور کلی در جهت تحقق آن نقش تعیین کننده‌ای ایفا خواهد کرد.

از سوی دیگر از کومکله به عنوان رهبر جنبش انقلابی خلق کرد و در واقع به یک سازماندهی کارگران و رنجگهان که در سازماندهی و وظایف عمومی پرولتری و طبعه که جنبش کارگرفتن اشرف در دستور کومکله بنیاد نگور شد و تعیین جنبش مقاومت

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم!



توضیح درباره این شماره

با توجه به ضرورت هر چند غیر رسمی شماره ۱ این شماره را منتشر کردیم. مخصوصاً به سال با خبری که در این شماره آن روی داده است و همچنین بدلیل طولانی بودن مقاله «اعلان» این شماره و در همین حال اخبار و نظریات نوجوانان پیش از دستگیری گرشهیم به فرازی که از پیش گذاشته بودیم برای شما تمام مطالب مربوط به توضیح برنامه کارگران یا پدید آمدن، پاسخ به عقاید و عقیده را خلاصه کنیم و با شماره بعدی با شما قراریم. بنابراین علی‌رغم بودن این مطالب در این شماره، همچنان معتزیم که با مقاله و مطالب آن را برای درج در این شماره در احوال ارسال دارید.

علاوه بر این، با آغاز کار «راپید» صدای انقلاب ایران که بویژه اخبار و گزارش های مربوط به کردستان را هر روز برای اطلاع شما می‌برد، ایران به دو زمان فارسی و کردی بخش شده می‌کند. اما به کارخانه کردستان را آرام می‌دهیم. البته هدف از مقاله به این معنا نیست که «کارگر کمونیست» مطالب راجع به کردستان و جنبش انقلابی خلق کرد را گواهی بدهد. منظور آنست که برای این مقاله ای و بجز این برای استکار نخواهد داشت و جنبه خبری این مطالب کمتر خواهد بود.

سلسله رسد های کمونیستی کارگری ایرانی سوره به سوره یعنی کمونیستی کارگری بود و مظهر است کوبه سحر آمیز. ارتش اینده نولوژیست و سارمانده می‌باشد. «مطلبی» ما شده است. اصلاً ما هیچ داریم که کمترین هم نمی‌ماند آن است که برای آنی را که تازه حرکت کرده است برای اعتراف جنگ و افشای آن دروغ‌های همین کارگران و انقلابی سراسر و عامی را هم، کمترین و تحصیل یعنی حسی انقلابی خلق کرد و دیگری کوله است. اما مطالب مربوط به هر دو در دسترس و در دسترس ما قرار نمی‌گیرد.

نگاه در پیش می‌ماند که بعد از آن که کثیره است. با ما قرار و بیشتر کاری که در نظر کارگران است برای سخن آرمیهای انقلابی که کارگرانش را با ساری می‌کند درود می‌نویسیم و برای ما در این انقلابی در همین کارگران ایران (کوله) که پرگانه سوم آرزوی موفقیت و پیروزی میکنیم.

کمیته مرکزی اتحادیه کارگران کمونیست ایران
اردیبهشت ۱۳۶۱



در تکتک شهر و توابع
«برنامه حزب کمونیست»
بگوشیست.

کارگر پیروز است، استثمار نابود است!



پیام کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست به کنگره سوم سازمان انقلابی زهنکشان گردستان ایران - کومه له

دقتاً!

برکل کشور، با برآوردن مداخلت موج وسیع و فلسفی گستاخانه و انقلابیون کمونیست و دیگران و با سرکوب جری ترین جلوه های اعتراضی و مبارزاتی عامه افسارمختلف مردم به احتیاجات برین شیوه ها، انکاراویسی هیچ پرده پوشی به خود نبردیم اعلام کرده است که دیکتاتوری خود را در خدمت سرمایه و استبداد استبداد و مصادره مقابله مردم و مردودیت سرسبز اراکسهای سرکوب شکنی کرده است.

تاکتیک های معاندانه حویله و مپسسی لیسوال - آتارمینیستی نیروهای اپوزیسیون خرد، بورژوازی و سوزووا - لیسوالی، سردرغیبی بحث و مپسسی از نیروهای جنبش کمونیستی و فقدان یک عباد آگاه رهبری گنبد، جنبش طبفه کارگر، به عقب نشینی سریع جنبش کارگری و پیوسته ای از مبارزه سیاسی و حتی دفاع فعال اقتصادی در برابر حطال رژیم صخرنده است، و لذا طبرقم ایسکه افشار آگاه و طبفه کارگر خواستار سرکوبی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی هستند. نبوده وسیع کارگران و زمینکنان برای رهانیدن از چنگال این رژیم عفاک و ارتجاعی چشم امید به تحولات امیلا در قدرت سیاسی دوخته اند.

بقیه در صفحه ۴۱

معمادترین درودهای ما همه و فضای اتحاد مبارزان کمونیست را به مساحت سرکوباری کنگره سوم کومه له بپدید آورد. شرایط سیاسی اجتماعی و مبارزاتی مبارزه سیاسی و انقلابی در لحظه حاضر می شکست کنگره شمارا از محدودیت یک کنگره سازمانی فراتر خواهد برد و نسبتاً وردهای آن را با ملذذ درجه باستان سر سر حرکت حبس کمونیستی و انقلاب ایران منظور کلی مور بافت و فرار خواهد داد. دستور خط - کنگره سوم مسئول این است که کومه له به بحث و مپسسی و مپسسی کننده مسوودت جنبش کارگری و کمونیستی ایران منظور کلی و در جنبش انقلابی طلق کرد منظور خاص و مسائل سیاسی مبارزه در این عرصه ها بحوسی و انفعادت. با این وجود، اجازه می خواهم تا بطور مختصر، امیدها و اسطوارات خود را از کنگره سوم شما در شرایط حاضر کمونیستی بیان کنم.

رژیم جمهوری اسلامی که آتار را با منظر افراط و رنالت و فلسفه وجودی ای چر در هم تنگتن انقلاب بداند است، اکنون ناامید است که نتواند با مپسسی و مپسسی گسترده و انکار خود را به آخرین مپسسی های مسوودت های دیکتاتیک قیام در سراسر کشور آغاز کرده است. جمهوری اسلامی با برقراری کمونیستی اجتماعی بیماست، با حاکم کردن سرور سیاست

کارگران جهان متحد شوید!